

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نام‌ها و نشانه‌های مادر

احمد صابری تولائی

نام‌ها و نشانه‌های مادر

(شخصیت‌شناسی حضرت زهرا علیها السلام بر اساس تحلیل اسامی، القاب و کنیه‌های ایشان)

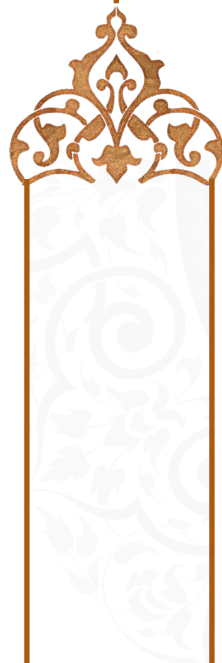
کاری از موسسه فرهنگی تبلیغی به سوی ملکوت

نویسنده: احمدصابری تولائی

پژوهشگران: علی‌علیزاده، جواد بوژمهرانی

صفحه‌آرا: رفشته ایزدی

طراح جلد: ملیحه صوفی



فهرست مطالب

۹	امام خمینی رحمۃ اللہ علیہ
۱۰	مبلغ و خطیب عزیز و گرامی
۱۲	مقدمه

فصل اول: مادر و نشان

۱۶	مقدس ترین وجود در خانواده ها
۱۷	جایگاه مادر در آیات قرآن کریم
۱۸	جایگاه مادر در روایات اهل بیت علیهم السلام
۱۹	فرصتی عالی برای شناخت ارزش مادر عالمین
۱۹	تاریخ ولادت حضرت زهرا
۲۱	قالب های پرداختن به موضوع ولادت حضرت زهرا علیها السلام
۲۲	نام ها و نشانه ها



۲۳

غربت حضرت زهرا در نگاه برخی از مستشرقین

فصل دوم: اسامی حضرت زهرا علیها السلام

۲۶

نام‌های حضرت مادر

۲۶

۱. فاطمه

۲۸

۲. مبارکه

۲۹

برکات وجودی حضرت زهرا علیها السلام

۳۱

وجودهای مبارک در قرآن

فصل سوم: القاب حضرت زهرا علیها السلام

۳۶

چرایی قرار دادن لقب در اعراب

۳۷

القاب حضرت مادر

۳۹

۱. بتول

۴۰

الف. در عبادت

۴۱

ب. در توجه خاص خدا به او

۴۴

پ. در جایگاه بین اهل بیت

۴۵

ت. در فرزندان خاص

۴۶

ث. در ازدواج خاص (عروسی و خواستگاری خاص)

۴۷

ج. در مبارزه خاص

کاربردهای واژه حره در فرهنگ اسلامی

حکمت نامگذاری حضرت زهرا

۱. اسیر شهوت‌ها

۲. اسیر تعلقات

گردنبند با برکت

گذشت از بهترین لباس

۳. اسیر مدرک گرایی

۴. اسیر سنت‌های غلط

مهریه سنگین

مهریه برترین زن عالم

جهیزیه سنگین

تجملات زیاد

ولیمه ازدواج حضرت زهرا علیها السلام

خرید از مکان‌های معروف به گرانی

هتل‌ها و سالن‌های پرخرج

لباس عروس گران قیمت

به رخ کشیدن ثروت‌ها



- ۶۴ ۵. اسیر جمال و چهره خودشان
- ۶۵ ۶. اسیر در رسانه
- ۶۵ رسانه چیست؟
- ۶۵ معنای اسارت در رسانه
- ۶۷ شعار زن، زندگی، آزادی
- ۶۷ منظور و هدف از آزادی در این شعار
- ۶۷ القای الگوهای نامناسب
- ۶۸ ۷. اسیر رقابت با مردها
- ۷۰ ۸. اسیر ابر قدرت‌ها
- ۷۱ ۳. منصوره
- ۷۳ یاری فرزند، یاری مادر
- ۷۴ ۴. حانیه
- ۷۵ الف. کاهش توقعات در زندگی
- ۷۹ ب. تغییر نوع نگاه به همسر و فرزند
- ۸۰ پ. درک متقابل
- ۸۱ ت. ابراز عشق، علاقه و محبت
- ۸۴ ۵. کوثر

فصل چهارم: کنیه های حضرت زهرا علیها السلام



- | | |
|----|--|
| ۸۸ | چیستی کنیه |
| ۸۸ | دلایل استفاده از کنیه |
| ۸۹ | کنیه های حضرت زهرا <small>علیها السلام</small> |
| ۸۹ | ۱. ام ابیها |
| ۹۱ | ۲. ام الائمہ |
| ۹۲ | ۳. ام المومنین |
| ۹۲ | ۴ و ۵. ام الحسن و ام الحسین |

پیشگفتار



السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُمْتَحَنَةً اِمْتَحَنَكَ اللهُ الَّذِي خَلَقَكَ قَبْلَ
 أَنْ يَخْلُقَكَ فَوَجَدَكَ لِمَا اِمْتَحَنَكَ صَابِرَةً، وَزَعَمْنَا أَنَّكَ أَوْلِيَاءُ وَ
 مُصَدِّقُونَ وَصَابِرُونَ لِكُلِّ مَا أَتَانَا بِهِ أَبُوكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَأَتَى
 بِهِ وَصِيَّهُ، فَأَنَا نَسْأَلُكَ إِنْ كُنَّا صَدَقْنَاكَ إِلَّا الْحَقَّتْنَا بِتَصَدِيقِنَا
 لَهُمَا لِنُبَشِّرَ أَنْفُسَنَا بِأَنَّا قَدْ طَهَّرْنَا بِوَلَايَتِهِمْ [بِوَلَايَتِهِمْ] عَلَيْهِمُ
 السَّلَامُ.^۱

سلام بر تو ای آزموده شده، آزمودت آن‌که تو را آفرید پیش از آفریدنت
 در دنیا و در آن آزمون شکبایا بودی و ما دوستان و تصدیق‌کنندگان تویمیم
 و به همه آنچه پدر بزرگوارت (درود خدا بر او و خاندانش باد) و جانشینش
 (درود بر او) آوردند سر می‌سپاریم. خدایا! از تو می‌خواهیم از آن رو که
 تصدیق‌کنندگان آن بزرگواران بودیم ما را به خاطر این باور به درجه والا
 برسانی، تا خود را بشارت دهیم که پاک گشتیم به ولایت آنان (درود بر آنان).

امام خمینی رحمته‌الله علیه:

«تمام ابعادی که برای زن متصوّر است و برای یک انسان متصوّر
 است، در فاطمه زهرا صلی‌الله علیها و آله و سلم جلوه کرده و بوده است. یک زن معمولی نبوده
 است؛ یک زن روحانی، یک زن ملکوتی، یک انسان به تمام معنا انسان
 [بوده] تمام نسخه انسانیت، تمام حقیقت زن، تمام حقیقت انسان
 [است]. او زن معمولی نیست او موجودی ملکوتی است که در عالم به
 صورت انسان ظاهر شده است... تمام هویت‌های کمالی که در انسان
 متصوّر است و در زن تصوّر دارد، تمام در این زن است... زنی که تمام

۱ مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی.





خاصه‌های انبیا در اوست؛ زنی که اگر مرد بود، نبی بود؛ زنی که اگر مرد بود به جای رسول الله بود... انسانی است به تمام معنی انسان، زنی است به تمام معنی زن. صدیقه طاهره... از مرتبه طبیعت شروع کرده است [و] حرکت کرده است؛ حرکت معنوی با قدرت الهی، با دست غیبی. با تربیت رسول الله ﷺ مراحل را طی کرده است تا رسیده است به مرتبه ای که دست همه از او کوتاه است...»^۱.

مبلغ و خطیب عزیز و گرامی؛

مرقومه پیش رو محتوای سخنرانی به مناسبت ولادت حضرت زهرا علیها السلام و روز زن بوده که حاصل ایده پردازی و خط دهی محتوایی توسط حجت الاسلام صابری تولائی (مدیریت محترم موسسه فرهنگی تبلیغی به سوی ملکوت) و نهایتاً تدوین و توسعه محتوایی توسط دو تن از دانش پژوهان موسسه می باشد.

این مجموعه با نگاه تولید حجم متوسطی از محتوا حول موضوع مورد نظر آماده شده است تا شما سرور گرامی در انتخاب یا گلچین مباحث متناسب زمان جلسه سخنرانی خود قدرت انتخاب لازم را داشته باشید.

لذا نوع گزینش و حجم انتخابی محتوا برای ارائه، متناسب فرصت و نوع مخاطب جلساتی که در پیش رو دارید بر عهده خود شما بزرگوار می باشد.

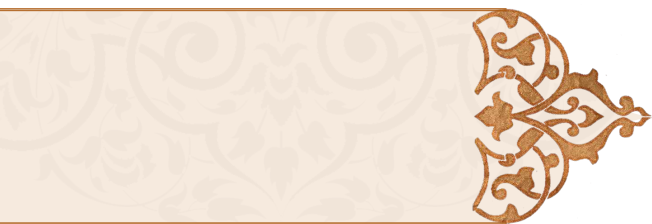
هدف ما در مجموعه آماده سازی و تولید منابعی فاخر، کاربردی و





لایق مجالس آل الله است که هم مورد توجه صاحبان اصلی مجالس یعنی اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام قرار گیرد و هم از سویی دیگر، موجبات رشد و عمق بخشی معارف دینی در مخاطبین را فراهم آورد. لذا ارائه بازخوردها، پیشنهادات و یا حتی انتقادات شما اهل خطابه و منبر که سالیانی مدید در این عرصه خدمت داشته اید، به یقین به رشد کمی و کیفی آثار و تولیدات مجموعه خواهید انجامید لذا پیشاپیش از حسن توجه شما سروران سپاسگذاریم. باشد که قلیل ما را به لطف و عنایت خود تبدیل به کثیر کنند.





مقدمه



یکی از مناسبت‌های بسیار مهم در بین سالروز ولادت های اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام سالروز ولادت حضرت صدیقه طاهره علیها‌السلام می باشد که فرصت بسیار گران بهایی در راستای تبیین مباحثی پیرامون شخصیت، اقدامات و اهداف متعالی آن بانوی بزرگوار می باشد که استفاده از فرصت منبر و جلسات دینی و مذهبی برگزار شده به مناسبت این واقعه امری لازم و مغتنم می باشد.

لذا نسبت به زندگانی حضرت زهرا علیها‌السلام و درس آموزی و الگو برداری از ایشان، می توان به دو صورت برای این ایام تولید محتوا کرد.

- شخصیت محور
- جنسیت محور

در صورت و مدل اول می شود شخصیت حضرت زهرا علیها‌السلام را از سه زاویه زیر تحلیل کرد.

بخش اول تحلیل شخصیت بر اساس سیره زندگانی ایشان؛ یعنی در تاریخ نگاه کنیم و بر طبق مستندات ببینیم حضرت زهرا علیها‌السلام که بود و چه کرد.

دومین بخش اینکه مقام عرفانی حضرت را در سه مقطع؛ قبل از خلقت دنیا، بعد از خلقت و در عالم دنیا و نهایتاً بعد از این دنیای مادی و خاکی یعنی در قیامت بررسی کنیم.

در سومین بخش هم با استفاده از اطلاعات بیوگرافیک اولیه یعنی نام، القاب و کنیه های ایشان تحلیل کنیم که همه اینها می شود یک





مدل نگاه به حضرت زهرا علیها السلام، یعنی نگاه شخصیت محور.

اما در نوع دیگری از نگاه میشود فارغ از همه اینها با نگاه جنسیتی یعنی جایگاه زنانگی ایشان و نهایتا جایگاه زن در اسلام و سایر حواشی آن به این مقوله پرداخت و در این خلال به بسیاری از حواشی که امروزه از سوی غرب یا بعضا برخی از زنان و دختران خودمان نسبت به ارزش‌ها و مقام زن مطرح میشود پاسخی درخور توجه داد.

که ما در اینجا بنا داریم با برشمردن و تحلیل تعدادی از اسامی، القاب و کنیه‌های حضرت، توشه‌ای ولو اندک از این الگوهای پاک و ممتاز برای زندگی خود برداشته و دیگر تشنگان معارف اهل بیت علیهم السلام را نیز بیش از پیش با این سرچشمگان معرفت آشنا نماییم. شاعر به زیبایی می‌سراید که، آب دریا را اگر نتوان کشید، هم به قدر تشنگی باید چشید.



فصل اول
مادر و نشان





مقدس‌ترین وجود در خانواده‌ها

یکی از مقدس‌ترین و ارزشمندترین مفاهیم جامعه بشری در تمامی عصرها و قرن‌ها، وجودی بوده است به نام مادر.

مادری که در همه جا، قلب خانه، مظهر مهر و عاطفه، عشق و احساس، محبت و صفاست. وجودی که نقشش نه فقط درون خانه‌ها بلکه در همه زمینه‌های حیات اجتماعی انسان آشکار و مهم است؛ به گونه‌ای که از مادران بعنوان مربیان فرهنگ جامعه نام می‌برند.

مادر آن موجود و مفهوم عزیز، بزرگ و دوست داشتنی هست که همه ما آدمها در سراسر این کره خاکی بدنبال بهانه‌ای برای گرامیداشت، تکریم و قدردانی از زحمات مادران هستیم لذا می‌بینید که در تمامی فرهنگ‌ها و کشورها روز مشخصی را برای تکریم شخصیت مادر تعیین کرده‌اند.

اما روز مادر و روز زن در تقویم رسمی ما ایرانی‌ها در یک روز گرامی داشته می‌شود که این روز مصادف با ولادت والامقام‌ترین و برترین بانوی جهان یعنی حضرت فاطمه زهرا علیها السلام است.

ولی اگر چه در جهان امروز درباره مقام مادر سخن بسیار گفته می‌شود و حتی در کشور ما روز با شکوهی را به نام روز مادر نامگذاری کرده‌اند؛ اما متأسفانه وضع تمدن ماشینی چنان است که رابطه پدران و مادران را از فرزندان خیلی زود قطع می‌کند

مادری که آنچنان جایگاه والا و بلندی دارد که در مفاهیم و معارف



دینی ما نظیر آیات، روایات، توصیه‌هایی عجیب و با عظمتی درباره شانیت و احترام به آن صادر شده است. حتی در کتاب وسائل بابی به این امر اختصاص داده شده به نام: «باب استحباب الزیاده فی بر الام علی بر الاب»^۱.

جایگاه مادر در آیات قرآن کریم

خداوند متعالی در چهار سوره از قرآن مجید، بلافاصله بعد از مسئله توحید، بر نیکی به والدین تأکید کرده است. و در یکی از موارد اینطور می‌فرماید که:

«وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا»^۲;

ما به انسان درباره پدر و مادرش سفارش کردیم مادرش او را با زحمت روی زحمت حمل کرد».

این مسئله و سایر نکات خداوند در قرآن کریم بیانگر این است که اسلام تا چه حد برای پدر و مادر احترام قائل است. با اینکه نعمت خداوند بیشتر از آن اندازه است که قابل شماره باشد، خداوند شکرگزاری در برابر پدر و مادر را در ردیف شکرگزاری در برابر نعمت‌های خود قرار داده است.

گره‌می خواهی رضای کردگار رو رضای والدین را گوش دار
چون دل ایشان ز تو خشنود شد گردی اندر آخرت خوش رستگار

۱. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، کتاب النکاح، ابواب احکام الاولاد، باب ۹۴، ح ۱.

۲. لقمان، ۱۴.



جایگاه مادر در روایات اهل بیت علیهم‌السلام

در روایات اهل بیت هم فراوان اهمیت و جایگاه فوق العاده مادر را می بینیم. در حدیثی از امام صادق علیه السلام می خوانیم که ایشان فرمودند:

«اگر چیزی کمتر از اُف وجود داشت، خداوند در قرآن کریم از آن نهی می کرد و این حداقل مخالفت و بی احترامی به پدر و مادر است.»

از امام صادق علیه‌السلام روایت شده است:

جاء رجل الى النبي (صلى الله عليه وآله وسلم) فقال: «يا رسول الله! من ابر؟»، قال: «امك»، قال: «ثم من؟»، قال: «امك»، قال: «ثم من؟»، قال: «امك»، قال: «ثم من؟»، قال: «اباك»^۱

مردی خدمت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آمد و عرض کرد: «ای رسول خدا! به چه کسی نیکویی کنم؟». فرمود: «به مادرت»، عرض کرد: «بعد از او به چه کسی؟» فرمود: «به مادرت»، بار سوم عرض کرد: «بعد از او به چه کسی؟» فرمود: «به مادرت»، در چهارمین بار که این سؤال را تکرار کرد فرمود: به پدرت.

در روایت دیگری وجود نازنین رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می فرماید:

«حق پدر این است که از او در طول زندگی اطاعت کنی و اما حق مادر را هرگز نمی توانی ادا کنی. حتی اگر به تعداد شن های بیابان و قطره های باران، روزها در خدمتش بایستی، تنها به جای زحمات طاقت فرسای

۱. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، کتاب النکاح، ابواب احکام الاولاد، باب ۹۴، ج ۱



دوران بارداری او نخواهد بود».

شخصی به پیامبر ﷺ از کج خلقی مادر شکایت کرد، حضرت فرمود:

«او در آن نُه ماه که بار تو را تحمل می کرد و آن دو سال که تو را شیر داد و شب هایی که بیداری کشید و روزهایی که برای تو تحمل تشنگی کرد، کج خلق نبود». مرد گفت: من جزای زحماتش را پرداخته ام و او را دوبار بر دوش گرفته و به حج برده ام. حضرت فرمود: «حتی جزای یک ناله او را هنگام وضع حمل نپرداخته ای»

حق مادر به قدری گسترده و مهم است که حتی از حق پدر برتر است، از این رو رسول خدا ﷺ فرمود:

هرگاه در نماز مستحب بودی و پدرت تو را فرا خواند، نمازت را قطع نکن؛ ولی اگر مادرت تو را فرا خواند نمازت را قطع [و اجابتش] کن.

فرصتی عالی برای شناخت ارزش مادر عالمین

اما عرض شد که که روز مادر در فرهنگ و آیین ما همزکان با ولادت یگانه مادر عالمین، حضرت زهرا علیها السلام است. که این فرصت و این روز، هم فرصت خوبی برای تکریم ارزش و جایگاه بزرگترین مادرهاست و هم فرصتی برای ما برای کسب بیشتر از معارف آن حضرت و در واقع الگو برداری از ایشان ناظر به زندگی های خودمان.

تاریخ ولادت حضرت زهرا

درباره تاریخ تولد حضرت زهرا علیها السلام در میان علمای شیعه دو نظر وجود دارد: قول مشهور ولادت ایشان در بیستم ماه جمادی الثانی سال



پنجم بعثت در مکه بوده و دلیل این قول، روایات صحیحی است که از امام سجاد، امام باقر و امام صادق (علیهم‌السلام نقل شده و مستند به آنها است و وقول دیگر سال دوم بعثت است که غیر مشهور و ضعیف هست که کاری به آن نداریم. فلذا قول مشهور در میان شیعه این است که حضرت زهرا علیها‌السلام پنج سال بعد از بعثت و نبوت پیامبر به دنیا آمده است و روایات صحیح این را تایید می‌کند.

مرحوم ثقة الاسلام کلینی، از محدثان مورد اعتماد شیعه، در اصول کافی بابی را در تحت عنوان «بَابُ مَوْلِدِ الزَّهْرَاءِ فَاطِمَةَ علیها‌السلام» باز کرده و در همان ابتدا تصریح این‌گونه تصریح می‌کند:

«وُلِدَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا وَ عَلَى بَعْلِهَا السَّلَامُ بَعْدَ مَبْعَثِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِخَمْسِ سِنِينَ وَ تُوُفِّيَتْ علیها‌السلام وَلَهَا ثَمَانِ عَشْرَةَ سَنَةً وَ خَمْسَةَ وَ سَبْعُونَ يَوْمًا وَ بَقِيَتْ بَعْدَ آيِهَا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم خَمْسَةَ وَ سَبْعِينَ يَوْمًا»^۱

فاطمه که بر ایشان و همسرشان درود خداوند باد، در سال پنجم بعثت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به دنیا آمده است. و هنگامی که وفات یافت، هجده سال و هفتاد و پنج روز از عمرش می‌گذاشت و بعد از پدرش هفتاد و پنج روز در این دنیا باقی ماند.

اما در نهایت نسبت به ولادت حضرت زهرا علیها‌السلام به چند شکل می‌توان گفتگو کرد.

۱ کلینی، محمد بن یعقوب، الاصول من الکافی، ج ۱، ص ۴۵۸، انتشارات اسلامیة، تهران، چاپ دوم، ۱۳۶۲ ه. ش.



قالب‌های پرداختن به موضوع ولادت حضرت زهرا علیها السلام

نسب به زندگانی حضرت زهرا علیها السلام و درس آموزی از ایشان، هم میتوان به دو صورت سخن گفت.

۱. شخصیت محور

۲. جنسیت محور

در نگاه اول می شود شخصیت حضرت زهرا را از سه زاویه تحلیل کرد.

بخش اول تحلیل شخصیت بر اساس سیره زندگانی ایشان؛ یعنی در تاریخ نگاه کنیم و ببینیم حضرت زهرا علیها السلام که بود و چه کرد.

دومین بخش اینکه مقام عرفانی حضرت را در سه مقطع؛ قبل از خلقت دنیا، بعد از خلقت در دنیا و نهایتاً بعد از این دنیای مادی و خاکی (در قیامت) بررسی کنیم.

در سومین بخش هم با استفاده از اطلاعات بیوگرافیک اولیه یعنی نام، القاب و کنیه های ایشان تحلیل کنیم که همه اینها میشود یک مدل نگاه به حضرت زهرا، یعنی نگاه شخصیت محور.

اما در نوع دیگری از نگاه میشود فارغ از همه اینها با نگاه جنسیتی یعنی جایگاه زنانگی ایشان و نهایتاً جایگاه زن در اسلام و سایر حواشی آن به این مقوله پرداخت و در این فی مابین به بسیاری از حواشی که امروزه از سوی غرب یا بعضاً برخی از زنان و دختران خودمان نسبت به ارزش زن پاسخ داد.



با همه اهمیت فوق العاده برای پرداختن به حضرت زهرا علیها السلام از زاویه هر دو نگاه و بخش‌های مختلف هر کدام، اما ما در اینجا بنا داریم با استفاده از همان اطلاعات اولیه بیوگرافیک یعنی اسامی (نام‌ها)، القاب و کنیه‌های حضرت که در جای خود بسیار مهم بوده و حاوی نکات عجیبی هم هست، به تحلیل جایگاه و مقام این شخصیت بزرگ تاریخ بشریت بپردازیم.

نام‌ها و نشانه‌ها

اسم به معنی نشانه و اسم گذاری نوعی نشانه گذاری است. از نظر علمی نوع اسم در شخصیت حال و آینده فرد بسیار مؤثر است و از نظر روان موجب نوع احساس نیک یا بد، حرکت یا رکود، رشد یا انحطاط است. و به همین خاطر در اسلام راجع به آن توصیه‌های بسیاری شده است. اعراب در نامگذاری سه موضوع را مراعات می‌کردند: اسم، لقب و کنیه.

مثلاً اسلام خواسته است برای فرزندان نامی را برگزینند که سازنده و رشد دهنده باشد، وابستگی او را به مکتبی و اندیشه‌ای نشان دهد، موجب احساس غرور و سرافرازی او در حال و آینده باشد، او را به موضعگیری ویژه و مثبتی وا دارد، حتی در مواردی خط فکری و سیاسی آدمی را در حفاظت و احیای یک اندیشه نشان دهد.

اسامی اهل بیت علیهم السلام همانند اسامی خداوند دارای چندین بطن بوده و تفکر و تدبیر در این اسامی عامل بسیار مؤثری در شناخت معصومین علیهم السلام است.

رسول خدا به تناسب ابعاد متعدد شخصیتی فاطمه علیها السلام او را به





اسامی و القاب متعددی می‌نامید که همه آنها زیبايند و غرور آفرين، رنگ مکتب و اندیشه اسلامی دارند و هر کدام به مناسبتی و در جایی توسط اطرافيان به کار می‌رفته‌اند و یا نوعی از حالات و صفات فاطمه عليها السلام را نشان می‌دادند.

لذا حضرت زهرا عليها السلام نیز دارای اسامی، القاب و کنیه‌هایی هستند که با بررسی آنها می‌توان بیش از پیش به ابعاد وجودی شخصیت ایشان پی برد.

غربت حضرت زهرا در نگاه برخی از مستشرقين

پژوهشگران، اندیشمندان مسلمان و غیرمسلمان همواره به بررسی و تحلیل ابعاد مختلف زندگی اهل بیت عليهم السلام و شخصیت‌های بزرگ اسلامی علاقه‌مند بودند. گاهی اوقات در میان این آثار مطالب مفید یا حتی غیرمفید وجود دارد. برخی از نویسندگان شواهد تاریخی را با انصاف و دلیل و استنباط تبیین می‌کنند و برخی دیگر مسایل تاریخی را مغرضانه بررسی می‌کنند. برخی دیگر نیز در تحلیل و توصیف اشتباهی از مسایل تاریخی دارند که ناشی از عدم آگاهی آنها نسبت به منابع و معارف صحیح اسلامی به ویژه شیعه است.

تاکنون ۵۲ عنوان کتاب یا فصل مستقل از کتاب یا مقاله یا مدخل دایره المعارف و لغت نامه‌هایی از سال ۱۹۱۲ میلادی تا به امروز است که به ابعاد شخصیتی حضرت زهرا عليها السلام و زندگی پرفراز و نشیب‌شان پرداخته‌اند که یکی از آنها دایره المعارف فاطمه عليها السلام نوشته «هنری لامنس» در دایره المعارف اسلاميست.





در این کتاب فاطمه زهرا علیها السلام را زنی، غمگین و افسرده معرفی کرده که آخر کار هم در اثر بیماری سل از دنیا رفته است.

و از غربت حضرت این است که هنوز پس از گذشت بیش از هزار سال، برخی از اسلام پژوهان قضاوت‌های بشدت ناصحیح و غلطی از ایشان داشته و دارند که ناشی از مطالعه مغرضانه یا ناقص تاریخ و یا حتی عدم فهم صحیح ایشان نسبت به شخصیت‌های بزرگ شیعه است.



فصل دوم

اسامی حضرت زهرا علیها السلام





نام‌های حضرت مادر

نام اصلی یک شخص در زبان عربی، اسم نامیده می‌شود و نسبت به اسامی حضرت زهرا علیها السلام روایتی داریم از وجود نازنین امام صادق (علیه السلام) که فرمودند:

«ان لفاطمة تسعة اسماء عند الله عز وجل؛ فاطمه، و الصديقه، و المباركه، و الزكيه، و الراضيه، و المرضيه، و المحدثه، و الزهراء و الطاهره»^۱

لذا بنا داریم به اختصار به شرح و تفصیل تنها دو مورد از اسامی حضرت بپردازیم تا ابعاد شخصیتی این بانوی بزرگ بیش از پیش بر همگان روشن شود.

۱. فاطمه

در میان اسامی متعددی که برای حضرت نامبرده شده، نام فاطمه علیها السلام از همه معروف تر و به گوش‌ها آشناتر و در کتب اسلامی ذکر این نام بیشترین است. پیش از ظهور اسلام نیز سه تن از زنان بدین نام موسوم بوده‌اند که در اسلام به فواطم مشهورند: فاطمه دختر اسد بن هاشم و فاطمه دختر عتیه بن ربیع و فاطمه دختر عمر بن عائذ. فاطمه وصفی است که از مصدر فطم و فطم در زبان عرب به معنای بریدن، قطع کردن و جدا شدن آمده است.

در مورد معنی و وجه تسمیه‌اش علامه مجلسی در بحار الانوار اینطور

۱ نوادر المعجزات فی مناقب الأئمة الهداة، ج ۱، ص ۱۹۸.



آورد است که:

او فاطمه (علیها السلام) است؛^۱

❖ **لأنها فطمت عن الطمت**، بدان خاطر که از آزار حیض بازداشته شده است.

❖ **لأنها فطمت عن الشر**، زیرا که او از شر بریده و جداست.

❖ **لأنها فطمت عن الخلق**، زیرا که او از مردم بریده شده.

❖ **لأنها فطمت محبها عن النار**، زیرا که دوستدارانش از آتش دوزخ دور و برکنارند.

❖ **لأنها فطمت وشيعتها عن النار**، زیرا که او و شیعیانش از آتش دور و برکنارند.

❖ **لأن الخلق فطموا عن كنه معرفتها**، زیرا که مردم از کنه معرفتش بازداشته شده‌اند.

❖ **لأنها فطمت عن ماسوی الله**، زیرا که او از غیر خدا بریده است.

یونس بن ظبیان روایت می‌نماید که امام صادق (علیه السلام) از من پرسید: آیا می‌دانی که تفسیر فاطمه چیست؟ گفتم: مولای من! خودتان تفسیرش را بفرمایید. ایشان فرمودند: فاطمه (علیها السلام) از هرگونه بدی و زشتی جدا شده بود (فطمت من الشر) و اگر مولی علی (علیه السلام) با او ازدواج نمی‌نمود، از ابتدای خلقت، هیچ شخص هم تراز و صلاحیت داری برای ازدواج با او



پیدا نمی‌شد.^۱

۲. مبارکه

یکی دیگر از اسامی حضرت که در روایت امام صادق علیه السلام نیز بدان اشاره شد نام زیبای مبارکه است. همچنین این نام برای آن حضرت، در کتاب مقدس مسیحیان نیز آمده است؛ در انجیل آمده است که خداوند به حضرت عیسی علیه السلام فرمود: ای عیسی، تصدیق کن نبی‌امی را ... که نسل او از مبارکه است.^۲ علمای علم لغت در معنای لغوی و اصلاحی مبارکه اینطور نوشته اند:

مبارکه یعنی دارای خیر بسیار شده، صاحب برکت شده (این کلمه در مورد هم برکات دنیوی استفاده می‌شود و هم اخروی)^۳ و در اصطلاح هم به معنی وجود پربرکت است.

از امام صادق علیه السلام در مورد آیه: «وَجَعَلْنِي مَبَارَكًا أَيُّهَا مَا كُنْتُ»؛ روایت است که ایشان فرمود: «مَبَارَكًا» یعنی بسیار سودمند.^۴

طبق نظر علامه طباطبایی، صاحب تفسیر المیزان، برکت یعنی خیر زیادی که زیاد بودنش با حساب‌های مادی و عادی قابل محاسبه نیست.

حجت الاسلام قرائتی می‌فرمود: برخی کتابها مانند دنبه و پی هستند بر فرض ۵ کیلو رو که آب کنی ۲ کیلو بیشتر گیرت نیاید! برخی

۱ مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۰، باب ۲، روایت ۱، مؤسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۴ ه ق.

۲ امالی مرحوم شیخ صدوق، صفحه ۳۴۶

۳ فرهنگ واژگان قرآن

۴ الکافی؛ ج ۲، ص ۱۶۵/ بحار الأنوار، ج ۱۴، ص ۲۴۷



کتب مانند گوشت آبگوشتی هستند. استخوان هم دارد گوشت هم دارد! و برخی کتب مانند گوشت نزار هستند بدون استخوان و چربی و همه این کتب فایده است. و جعلی مبارکا یعنی تمام وجود شخص مبارک و بابرکت هست. هر جا می رود خیر می رساند و مفید واقع می شود.

برکات وجودی حضرت زهرا علیها السلام

از برکات وجودی حضرت زهرا علیها السلام آن است که ائمه علیهم السلام از نسل ایشان هستند، همچنین است سادات جهان که از ذریه زهرا علیها السلام مرضیه علیها السلام هستند؛ اینکه ایشان را مبارکه می خوانیم یعنی عامل برکت و خیرات بسیارند؛ از برکت زمانی سخن می گوئیم که چیزی کم باشد اما آثار بسیار داشته باشد، هر چه در ظاهر کم اما آثارش بسیار باشد برکت دارد؛ حضرت زهرا علیها السلام مبارکه است چون پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله همین یک دختر را داشتند اما ۲۵۰ سال حیات ائمه علیهم السلام به برکت وجودی ایشان بوده و پس از آن نیز امام عصر عجل الله تعالی فرجه از نسل آن یگانه بانوی عالم بشریت هستند.

مهم ترین برکت این بانو، جاودانگی تشیع در دنیا است و به طور قطع می توان گفت اگر ایشان نبودند امروز از تشیع بلکه از اسلام اثری نبود.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: دخترم! امت اسلام چند افتخار دارد ... یک افتخار آنکه برترین انبیاء و خاتم آنها، رسول آنها است و او پدر تو است صلی الله علیه و آله تمام قد مقابل حضرت زهرا علیها السلام می ایستادند؛

دومین افتخار این امت آن است که بهترین وصی الهی، یعنی علی بن ابیطالب علیه السلام به آنها تعلق دارد و او شوهر تو است.



و سوم آنکه دو سید و بزرگ جوانان اهل بهشت از آنها است و آن دو آقا فرزندان تو هستند و نهایتاً آنکه منجی عالم بشریت فرزند تو است... این یعنی ریشه همه خیرات دنیا به حضرت زهرا علیها السلام باز می‌گردد؛ ایشان حلقه وصل امامت و نبوت و حلقه وصل خاندان نبوت به سادات هستند، باطن سوره کوثر و باطن سوره قدر فاطمه زهرا علیها السلام است.

فواید محبت حضرت زهرا علیها السلام

رسول گرامی اسلام توصیه‌ها و تاکیدات فراوانی برای احترام و بزرگداشت و محبت به دخترشان حضرت فاطمه زهرا علیها السلام داشتند که در رفتار و گفتار حضرت رسول صلی الله علیه و آله مشهود بود.

پیامبرگرامی اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرمایند:

«يَا سَلْمَانَ مَنْ أَحَبَّ فَاطِمَةَ ابْنَتِي فَهُوَ فِي الْجَنَّةِ مَعِيَ وَمَنْ أَبْغَضَهَا فَهُوَ فِي النَّارِ يَا سَلْمَانُ حُبُّ فَاطِمَةَ يَنْفَعُ فِي مِائَةِ مَوْطِنٍ أَيْسَرُ تِلْكَ الْمَوَاطِنِ الْمَوْتُ وَالْقَبْرُ وَالْمِيزَانُ وَالْمَحْشَرُ وَالصِّرَاطُ وَالْمُحَاسَبَةُ فَمَنْ رَضِيَتْ عَنْهُ ابْنَتِي فَاطِمَةُ رَضِيَتْ عَنْهُ وَمَنْ رَضِيَتْ عَنْهُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وَمَنْ غَضِبَتْ عَلَيْهِ فَاطِمَةُ غَضِبَتْ عَلَيْهِ وَمَنْ غَضِبْتُ عَلَيْهِ غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ يَا سَلْمَانُ وَيَلْ لِمَنْ يَظْلِمُهَا وَيَظْلِمُ ذُرِّيَّتَهَا وَشِيعَتَهَا».

ای سلمان! هر که دخترم فاطمه را دوست بدارد در بهشت در کنار من خواهد بود، و هر که او را دشمن بدارد در آتش جهنم خواهد بود. ای سلمان دوستی فاطمه در صد جایگاه به حال انسان سودمند است که





راحت ترین آنها عبارت‌اند از: مرگ، قبر، میزان، سنجش، محشر، و پل صراط و حساب‌کشی؛ پس دخترم فاطمه از هر کس راضی باشد، من از او خشنود می‌شوم و هر کس من از او راضی شوم خدا از او خرسند خواهد بود. و هر کس فاطمه از او خشمگین باشد، من بر او خشم می‌کنم و هر کس من بر او خشم کنم، خداوند بر او غضب می‌کند. ای سلمان وای بر کسی که به فاطمه و به فرزندان و شیعیانش ظلم و ستم کند.

وجودهای مبارک در قرآن

در قرآن کریم واژه مبارکه قریب یازده مرتبه در آیات زیر تکرار شده است که در آنها خداوند به وجودهای مبارک می‌پردازد.

۱ «وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ...»^۱

و مرا هر کجا که باشم وجود پربرکتی ساخته.

۲ «وَهَذَا كِتَابُ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكًا فَاتَّبِعُوهُ...»^۲

و این [قرآن] که آن را فرو فرستادیم کتابی است پر خیر و برکت، پس آن را پیروی کنید.

۳ «كِتَابُ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ...»^۳

[ای پیامبر] کتابی که آن را به سوی تو فرو فرستادیم، منشاء خیر و برکت است تا در آیات آن بیندیشند.

۱ مریم، ۳۱.

۲ نعام، ۱۵۵.

۳ ص، ۲۹.





۴ «وَهَذَا ذِكْرُ مُبَارَكٍ أَنْزَلْنَاهُ...»^۱

و این [قرآن] یادآوری، پر برکت است که ما آن را فرو فرستادیم،

۵ «وَقُلْ رَبِّ أَنْزِلْنِي مُنْزَلًا مُبَارَكًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ»^۲

بگو: پروردگارا، مرا در جایگاهی با برکت فرود آور و [البته] تو بهترین فرود آورندگانی.

امیرکبیر سه سال نخست وزیر مملکت بود به اندازه صد سال کشور را جلو برد و کار کرد و به مردم خدمت کرد و این بخاطر جایگاه بابرکتی بود که این جایگاه وسیله ای است برای خدمت به مردم که امیرکبیر به بهترین نحو از آن استفاده کرد.

۶ «إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ»^۳

اولین خانه ای که برای انسان بنا شد، همان است که در مکه می باشد و مایه برکت است.

۷ «وَنَزَّلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً مُّبَارَكًا...»^۴

و از آسمان آبی با برکت فرو فرستادیم.

۸ «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَرَكَةٍ...»^۵

۱ انبیاء: ۵۰

۲ مؤمنون: ۳۹

۳ آل عمران: ۹۶

۴ ق: ۹۰

۵ دخان: ۳۰



به راستی ما آن را در شبی پربرکت نازل کردیم.

امام کاظم علیه السلام در ذیل آیه ۳ سوره دخان می فرماید:

«وَأَمَّا اللَّيْلَةُ فَقَاطِمَةٌ عَلَيَّاهُ»^۱

منظور از شب [بنابر باطن قرآن] حضرت فاطمه (علیها السلام) است.

۱۹ « فَتَمَّا أَتَىٰهَا نُودِيَ مِنْ شَطِئِ الْوَادِ الْأَيْمَنِ فِي الْبُقْعَةِ الْمُبْرَكَةِ مِنَ الشَّجَرَةِ... »^۲

پس چون [موسی] نزد آن آتش آمد، از جانبِ راست آن وادی، در آن قطعه زمین پر برکت، از آن درخت ندا داده شد.

امام صادق (علیه السلام) در ذیل این آیه می فرماید:

«يَا مُفَضَّلُ إِنَّ بَقَاعَ الْأَرْضِ تَقَاخَرَتْ فَفَخَّرَتْ كَعْبَةُ الْبَيْتِ الْحَرَامِ عَلَى بُقْعَةٍ كَرَبَلَاءَ فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهَا أَنْ اسْكُتِي كَعْبَةُ الْبَيْتِ الْحَرَامِ وَلَا تَفْتَخِرِي عَلَى كَرَبَلَاءَ فَإِنَّهَا الْبُقْعَةُ الْمُبَارَكَةُ الَّتِي نُودِيَ مُوسَى (عَلَيْهِ السَّلَامُ) مِنْهَا مِنَ الشَّجَرَةِ وَإِنَّهَا الرَّبْوَةُ الَّتِي أُوتِ إِلَيْهَا مَرْيَمُ (س) وَالْمَسِيحُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) وَإِنَّهَا الدَّلِيلَةُ الَّتِي غَسَلَ فِيهَا رَأْسَ الْحُسَيْنِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) وَفِيهَا غَسَلْتُ مَرْيَمُ (س) عِيسَى (عَلَيْهِ السَّلَامُ) وَاعْتَسَلْتُ مِنْ وَلَادَتِهَا وَإِنَّهَا خَيْرُ بُقْعَةٍ عَرَّحَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) مِنْهَا وَقْتُ غَيْبَتِهِ وَلِيَكُونَ لَشَيْعَتِنَا فِيهَا خَيْرَةٌ إِلَى ظُهُورِ قَائِمِنَا عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفُ»

۱ تفسیر اهل بیت ؟ عجم ؟ ج ۱۴، ص ۱۵۲ الکافی، ج ۱، ص ۴۷۹ بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۳۱۹ تأویل آیات الظاهرة ص ۵۵۵ نور الثقلین / البرهان
۲ قصص ۳۰



ای مفضّل! تمام اماکن روی زمین بر یک دیگر فخر می‌کردند. از جمله کعبه در مسجد الحرام بر زمین کربلا فخر می‌نمود. خداوند وحی فرستاد: «ای کعبه ساکت باش! و بر کربلا فخر نکن! زیرا کربلا بقعه‌ی مبارکی است که در آنجا از جانب خداوند به وسیله‌ی درخت به موسی بن عمران علیه السلام وحی شد و همان تلی است که مریم علیها السلام و عیسی علیه السلام منزل کردند و محلی است که سر حسین علیه السلام را در آن شستشو دادند و مریم علیها السلام، عیسی علیه السلام را شست و خودش هم بعد از ولادت وی غسل کرد. کربلا بهترین سرزمین‌هاست. پیغمبر صلی الله علیه و آله هنگام غیبتش از آنجا به آسمان بالا رفت و آنجا تا موقع ظهور قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف خیر و برکت زیادی برای شیعیان ما دارد.

۱۰ «.....يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبْرَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ...»^۱

[و آن چراغ] از [روغن] درخت زیتونی پربرکت که نه شرقی است و نه غربی افروخته می‌شود

۱۱ «...فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَاسْلُمُوا عَلَى أَنْفُسِكُمْ تَحِيَّةٌ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبْرَكَةٌ طَيِّبَةٌ...»^۲

و چون به [چنین] خانه‌هایی وارد شدید بر اهل خویش سلام کنید، که سلامی از جانب خدای پربرکت و پاکیزه است.



فصل سوم
القاب حضرت زهرا عليها السلام





چرایی قرار دادن لقب در اعراب

لقب دادن به فرزندان یکی از آداب و رسوم پسندیده است. البته لقبهای خوب چون قرآن از القاب ناپسند نهی فرموده است:

«ولا تلمزوا أنفسكم ولا تنابزوا بالألقاب...»^۱

از همدیگر عیب جوئی نکنید و با القاب بد یاد نکنید.

مرحوم علامه‌ی طباطبائی می‌فرماید: کلمه (نیز) بمعنای لقب زشت است، مثل اینکه فردی به طرف مقابل بگوید سفیه، تبه‌کار، و امثال این القاب زشت، خداوند از این کار، مؤمنان را اکیداً نهی کرد. چون سزاوار است مؤمن همواره به خیر یاد شود و به او طعنه زده نشود و نباید چیزی به او بگویند ناراحت شود^۲ این به خاطر حرمت مقام مؤمن است که خداوند حفظ آنرا واجب شمرده.

از این روی در دین اسلام و سیره‌ی ائمه انتخاب لقب نیک برای فرزندان جهت پیشگیری از نسبت دادن القاب زشت يك سنت است. لذا همه‌ی ائمه شیعه لقب دارند که بسیاری از این القاب مردم به آنها در هر جهت برخورداری و شایستگی که از آنها می‌دیدند به آنها داده‌اند مثلاً درباره‌ی امام زین العابدین القاب زیادی است که مردم به آن حضرت به جهت شایستگی و دارا بودن آن داده‌اند مثلاً البكاء زیادگريه کننده؛ ذوالثفتان، کسی که در پیشانی او به علت زیادی سجده‌ها پینه باشد و ...^۳

۱ - حجرات، ۱۱.

۲ - علامه طباطبائی تفسیر المیزان، ترجمه شده توسط موسوی همدانی (ره) چاپ چهارم، تهران (امیرکبیر و رجاء) ۱۳۷۰ ج ۷۱، ص ۵۰۹.

۳ - علامه مجلسی، بحارالانوار، چاپ دوم تهران دارالکتب اسلامیة ۱۳۶۲، ج ۴۶، ص ۴



القاب حضرت مادر

برای بانوی بزرگوار ما حضرت زهرا (علیها السلام) نیز القابی فراوان ذکر شده که برخی از آنها را پدر بزرگوارشان به آن حضرت داده است.

با مراجعه به ترجمه کتاب فاطمه الزهرا بهجه قلب المصطفی تحت عنوان، فاطمه زهرا شادمانی دل پیامبر، نویسنده این کتاب یعنی علامه سید میر جهانی^۱ برای آن بانو مجموعاً ۱۰۵ لقب ذکر کرده است. البته نویسنده شعری زیبا را که اکثر القاب آن بانو در آن آمده را نیز آورده در آنجا آورده است:

- ألقاب بنت المصطفی كثيرة- نظمت منها نبذة يسيرة
- نفسی فداها و فدا أبیها- و بعلها الولی مع بنیها
- سيدة إنسية حوراء- نورية حانية عذراء
- کریمه رحیمه شهیده- عقیقه قانعه رشیده
- شریفه حبیبه محترمه- صابرة سلیمه مکرمه
- صفیة عالمة علیمه- معصومة مغضوبة مظلومة
- میمونه منصوره محتشمة- جمیلة جلیلة معظومة
- حاملة البلوی بغیر شکوی- حلیفة العبادۃ و التقوی

۱ سید محمدحسن طباطبائی میرجهانی محمدآبادی جرقویه ای اصفهانی مشهور به میرجهانی عالم شیعی قرن پانزدهم هجری است. میرجهانی از سادات اصفهان بود. نسب او به امام حسن مجتبی؟ ع می‌رسد. میرجهانی از شاگردان سید ابوالحسن اصفهانی در نجف بود. از وی بیش از ۵۰ اثر در موضوعات مختلف بر جای مانده که کتاب جنة العاصمة درباره زندگانی حضرت زهرا (س) از مشهورترین آنان است. مرقد او در اصفهان در کنار آرامگاه علامه مجلسی است.



- حبیبة الله و بنت الصفوة-رکن الهدی و آية النبوة
- شفیعة العصاة أم الخیرة-تفاحة الجنة و المطهرة
- سيدة النساء بنت المصطفی-صفوة ربها و موطن الهدی
- قرّة عین المصطفی و بضعتہ-مهجة قلبه کذا بقیتہ
- حکیمة فہیمة عقيلة-محزونة مکروبة علیلة
- عابدة زاهدة قوّامة-باکیة صابرة صوّامة
- عطوفة رءوفة حثّانة-البرة الشفیقة الأثانة
- والدة السبطین دوحۃ النبی-نور سماوی و زوجة الوصی
- بدر تمام غرّة غزا-روح أبیه درّة بیضاء
- واسطة قلادة الوجود-درّة بحر الشرف و الجود
- ولیّة الله و سرّ الله-أمانة الوحی و عین الله
- مکینة فی عالم السماء-جمال الإباء شرف الابناء
- درّة بحر العلم و الکمال-جوهرۃ العزة و الجلال
- قطب رحی المفایر السنیّة-مجموعة المائر العلیّة
- مشکاة نور الله و الزجاجة-کعبة الآمال لأهل الحاجة
- لیلة قدر لیلة مبارکة-ابنة من صلّت به الملائكة



- قرار قلب أمّها المعظّمة - عالیة المحلّ سرّ العظمة
- مکسورة الضلع رضیض الصدر - مغصوبة الحق خفی القبر^۱

۱. بتول

بتول یکی از القاب حضرت فاطمه علیها السلام است که از ریشه بتل گرفته شده است. بتل در لغت به معنای «جدا کردن چیزی از چیز دیگر» و یا «بریدن» است و بتول به زن باکره‌ای گویند که از مردان دوری کرده و ازدواج را ترک می‌کند و نسبت به مردان هیچ گونه میل و شهوتی نداشته باشد^۲، حضرت مریم مادر حضرت عیسی علیه السلام را بتول نامیده‌اند چون از مردان دوری می‌گزید^۳، همچنین بتول به زنی گفته می‌شود که با تمام قلبش متوجه خدا گردیده، و از غیر او منقطع شده است.

حضرت زهرا علیها السلام به سبب برتری اش بر دیگر زنان به لحاظ گفتار، رفتار و معرفت، به این اسم نامیده شده است.

و همچنین امام علی علیه السلام به سبب ازدواج با حضرت فاطمه علیها السلام ملقب به زوج البتول شده است. آن حضرت در خطبه‌ای که در بازگشت از جنگ نهروان خواند، خود را با این لقب توصیف کرده است.^۴

چون که شد تزویج حیدر با بتول نازل این آیت ز حق شد بر رسول
بر چنین داماد و بر این سان نژاد رحمت حق دم به دم افزوده باد

۱ میرجهانی، الجنّة العاصمّة، ناشر صدر، تهران، ص ۶۶

۲ جوهری، الصحاح، ۱۴۱۰ق، ج ۴، ص ۱۶۳۰؛ العین، الناشر: دار و مکتبة الهلال، ج ۸، ص ۱۲۴

۳ ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۱، ص ۴۳؛ راغب اصفهانی، المفردات، ۱۳۷۵ش، ج ۱، ص ۲۴۰

۴ شیخ صدوق، معانی الاخبار، ۱۴۰۳ق، ص ۵۸.



در واقع به هرجیزی که تک و ارزشمند باشد می‌توان گفت بتول و حضرت زهرا در بسیاری از موارد تک بوده است. که به مصادیقی از آنها اشاره خواهیم کرد.

الف. در عبادت

شیخ صدوق، از بزرگترین محدث شیعه، روایتی را از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، درباره مقام خضوع و بندگی دخترشان نقل می‌کند، که توجه ودقت به آن، بسیار مفید است:

هِيَ الْحَوْرَاءُ الْإِنْسِيَّةُ مَتَى قَامَتْ فِي مُحَرَابِهَا بَيْنَ يَدَيَّ رَبِّهَا جَلَّ جَلَالُهُ ظَهَرَ نُورُهَا لِمَلَائِكَةِ السَّمَاءِ كَمَا يَظْهَرُ نُورُ الْكَوَاكِبِ لِأَهْلِ الْأَرْضِ وَيَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِمَلَائِكَتِهِ يَا مَلَائِكَتِي انْظُرُوا إِلَى أُمَّتِي فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ إِمَائِي قَائِمَةً بَيْنَ يَدَيَّ تَرْتَعِدُ فَرَاضُهَا مِنْ خِيفَتِي وَقَدْ أَقْبَلْتُ بِقَلْبِهَا عَلَى عِبَادَتِي^۱.

فاطمه، حوریه بهشتی در قالب انسان است هر وقت در محراب خود برابر پروردگارش جل جلاله می‌ایستد نورش به فرشتگان آسمان می‌تابد، چنانچه نور ستارگان بر زمین بتابد و خدای عز و جل به فرشتگانش می‌فرماید: ای فرشتگان من، ببینید کنیزم فاطمه، که بزرگ کنیزان من است در مقابلم ایستاده و اعضای بدنش از ترسم می‌لرزد و دل بعبادت من سپرده است.

این روایت، مقام عبادت و بندگی و مقام روحانی حضرت زهرا علیها السلام را نشان می‌دهد؛ آن قدر این مقام بالا و عظیم است که خدا از زبان

۱. الأمالی (للصدوق) / النص / ۱۱۳ / المجلس الرابع و العشرون





پیامبرش، آن را ستایش می‌کند. سزاوار است انسان مسلمان با توجه به مقام بندگی و خضوع ایشان در برابر خالق، راه بندگی و عبودیت را به بهترین نحو فرا گیرد و شاگرد خوبی برای مکتب اهل بیت علیهم السلام باشد و حق بندگی خالق را به تأسی از ائمه علیهم السلام فرا گیرد.

ب. در توجه خاص خدا به او

از روایات متعددی استفاده می‌شود که جبرئیل و سایر ملائکه آسمانها، بر حضرت فاطمه علیها السلام نازل شده و با وی به مکالمه و مصاحبه پرداخته و در ضمن سخنان خود، در مورد فضایل و مناقب آن بانوی گرامی، مطالبی می‌گفتند که عصمت آن بزرگوار از آنها ثابت می‌شود. در حدیثی از رسول گرامی اسلام آمده است:



«...إِنِّي فَاطِمَةٌ، وَإِنَّهَا سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، فَقِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! أَهِيَ سَيِّدَةُ نِسَاءِ عَالَمِهَا؟ فَقَالَ: ذَاكَ لِمَرِّ مَرْيَمَ بِنْتِ عِمْرَانَ، فَأَمَّا إِنِّي فَاطِمَةٌ فَهِيَ سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَإِنَّهَا لَتَقُومُ فِي مَحْرَابِهَا فَيُسَلِّمُ عَلَيْهَا سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ وَيُنَادُونَهَا بِمَا نَادَتْ بِهِ الْمَلَائِكَةُ مَرْيَمَ فَيَقُولُونَ يَا فَاطِمَةُ! إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ»^۱

...دخترم فاطمه سرور زنان جهان است. گفته شد: یا رسول الله! آیا او سرور زنان زمان خویش است؟ فرمودند: این [امتیاز محدود]، مربوط به مریم دختر عمران است، ولی دخترم فاطمه برترین زنان عالمیان از اولین

۱ عوالم العلوم، علامه بحرانی، ج ۱۱، ص ۹۹، انتشارات انصاریان، ۱۴۱۱





تا آخرین است. بر او در محراب عبادتش، هفتاد هزار فرشته از مقربین درگاه الهی سلام می دهند و او را با آن جمله ای که مریم را مخاطب قرار داده بودند، مخاطب قرار می دهند و چنین می گویند: ای فاطمه! خداوند تو را برگزیده و پاک ساخته و تو را بر تمام زنان عالمیان برتری داده است».

چنانچه در این حدیث ملاحظه شد؛ فرشتگان به وضوح طهارت و عصمت فاطمه زهرا علیها السلام را بیان نموده اند. همچنین از شیعه و سنی نقل شده که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمودند:

«فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي، فَمَنْ آذَاهَا فَقَدْ آذَانِي، وَمَنْ آذَانِي فَقَدْ آذَى اللَّهِ»^۱

فاطمه پاره تن من است، هر کس او را آزار دهد مرا آزار نموده و هر کس مرا اذیت کند خدا را اذیت نموده است

یا در روایات دیگری هست که از دیگر مقامات حضرت زهرا علیها السلام و عنایات خاصه ای که خداوند به حضرت داشته اند، مقام شفاعت و بشارت امت به نجات است.

در حدیثی آمده است: روزی سلمان به پیامبر صلی الله علیه و آله عرض کرد: ای مولای من! تو را سوگند به خدا از عظمت فاطمه در روز قیامت تعریفی بفرما.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله با تبسم رو به سلمان کرد و فرمود:

۱ - محجة البیضاء، محسن فیض کاشانی، ج ۴، ص ۲۱۰، چاپ دوم، دفتر انتشارات اسلامی، قم؛ شرح نهج البلاغه، ابوحامد عبدالحمید بن هبة الله المدائنی (ابن ابی الحدید)، ج ۱۶، ص ۲۷۳، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۹

سوگند به آن آفریدگاری که جانم در دست اوست، فاطمه را در آن روز، بر ناقه ای از ناقه های بهشت سوار می کنند، جبرئیل و میکائیل به ترتیب از راست و چپ او حرکت می کنند. علی علیه السلام در پیشاپیش و حسن و حسین علیهما السلام از پشت سر، وی را همراهی می کنند، تا بدین طریق فاطمه از صراط می گذرد و پس از گفتگوهای زیاد، خطاب می رسد، ای فاطمه علیها السلام! هر چه می خواهی بخواه! دخترم عرض می کند:

«أَسْأَلُكَ أَنْ لَا تُعَذِّبَ مُحِبِّي وَمُحِبِّي عِتْرَتِي بِالنَّارِ، فَيُوحِيَ اللَّهُ إِلَيْهَا: يَا فَاطِمَةُ وَعِزِّي وَجَلَالِي وَارْتِفَاعُ مَكَانِي، لَقَدْ آتَيْتُ عَلَى نَفْسِي مِنْ قَبْلِ أَنْ أَخْلُقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ بِالْفَقِي عَامِرٍ أَنْ لَا أُعَذِّبَ مُحِبِّكَ وَمُحِبِّي عِتْرَتِكَ بِالنَّارِ»^۱

[بار الهی] از تو می خواهم علاقه مندان خود و فرزندانم را در آتش نسوزانی. خداوند به او وحی می کند: ای فاطمه! به عزت و جلالم و به بلندی موقعیتم سوگند، که دو هزار سال پیش از آنکه آسمانها و زمین را خلق کنم، بر خودم لازم کرده ام که علاقه مندان به تو و فرزندان را با آتش عذاب نکنم.

همچنین جابر جعفی به حضور امام باقر علیه السلام رسیده و عرض کرد: فدایت شوم حدیثی در مورد فاطمه علیها السلام بفرومائید که با نقل آن، شیعیان را خوشحال کنم.

حضرت فرمودند: «در رستاخیز منبری از نور برای پیامبران نصب می گردد که منبر رسول خدا صلی الله علیه و آله از همه مجلل تر است و همچنین

۱ سفینه البحار، ج ۲، ص ۳۷۵، حاج شیخ علی نمازی شاهرودی، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۹



منبرهایی برای اوصیاء قرار می‌دهند که منبر علی علیه السلام از همه مجلل تر است. آنگاه نوبت به فرزندان انبیاء می‌رسد که مقام حسن و حسین بس منیع تر است. سپس نوبت فاطمه علیها السلام فرا می‌رسد، او را با تجلیل و شکوه بی‌نظیر به محشر می‌آورند و در کنار در بهشت قرار می‌گیرد، ولی داخل آن نمی‌شود و می‌گوید: خدایا از تو مسئلت دارم که مقام مرا در چنین روزی برای اهل محشر معلوم کنی. از جانب خدا ندا می‌رسد؛ ای دختر پیامبر! به سوی اهل محشر برگرد و هر که را از علاقه‌مندان خود یافتی شفاعت کن.»

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «به خدا سوگند! فاطمه شیعیان خویش را یکی پس از دیگری انتخاب نموده و داخل بهشت می‌نماید؛ همان طوری که پرندگان دانه را برمی‌گزینند و سپس شیعیان آن حضرت نیز، خود شفاعت نموده و علاقه‌مندان فاطمه را به بهشت می‌برند. و سپس فرمودند:

«وَاللّٰهُ لَا يَبْقَىٰ فِي النَّاسِ الْإِسْكَ إِلَّا كَافِرًا وَمُنَافِقًا»

سوگند به خدا! از میان مردم کسی باقی نمی‌ماند مگر افراد «مذبذب»، «کافر» و «منافق» [، ولی سایر مردم مورد شفاعت فاطمه علیها السلام قرار می‌گیرند].

پ. در جایگاه بین‌اهل بیت

در روایت هست که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌فرماید:

«نَحْنُ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى الْخَلْقِ، وَفَاطِمَةُ حُجَّةُ عَلَيْنَا»

۱ بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۶۵ علامه محمد باقر مجلسی، مؤسسه الوفاء بیروت، ۱۴۰۴ ق.





ما حجت خدا بر مخلوقات هستیم و حضرت فاطمه علیها السلام حجت خدا بر خود ماست.

ت. در فرزندان خاص

رسول اعظم اسلام صلی الله علیه و آله در توضیح و تبیین آیه «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى»؛ «ای پیامبر! بگو من هیچ پاداشی از شما درباره رسالت نمی خواهم، جز دوست داشتن اهل بیتم.» می فرماید: «خداوند متعال ذریه هر پیامبری را از نسل و صلب خود او قرار داد؛ اما ذریه مرا از صلب من و صلب علی بن ابی طالب مقرر فرمود. در میان مردم، فرزندان هر دختری را به پدرشان منتسب می کنند؛ ولی فرزندان فاطمه علیها السلام منسوب به من هستند.»^۲

آن حضرت در روایت دیگری فرمود: «إِنَّ فَاطِمَةَ أَحْصَنْتَ فَرْجَهَا فَحَرَّمَ اللَّهُ ذُرِّيَّتَهَا عَلَى النَّارِ»^۳ فاطمه پاکدامن است و خدا نیز آتش جهنم را بر فرزندان او حرام کرده است.

امام سجاد علیه السلام می فرماید که در همان سالی که امام حسن علیه السلام به شهادت رسید، من کودک بودم و به دنبال عمویم امام حسن علیه السلام و پدرم امام حسین علیه السلام در کوچه های مدینه می رفتیم. جابر بن عبدالله انصاری و انس بن مالک انصاری در میان جمعی از مهاجر و انصار با آن بزرگوار برخورد کردند. جابر بی اختیار خود را به دست و پای آن دو فرزند فاطمه علیها السلام انداخت و غرق بوسه ساخت. مردی از بنی مروان به جابر

۱ شوری، ۲۳.

۲ مناقب آل ابی طالب؟ ع؛ ابن شهر آشوب مازندرانی، مؤسسه انتشارات علامه، قم، ۱۳۷۹ ق، ج ۳، ص ۱۵۸.

۳ بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۲۰، باب مناقبها و فضائلها. البته در برخی روایات این سخن ادامه دارد که: وَ اللَّهُ مَا ذَلِكَ إِلَّا لِلْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ وَلَدِ بَطْنِهَا خَاصَّةً. (همان، ص ۲۳).





اعتراض کرد که تو با این کهنسالی و مصاحبت پیامبر ﷺ این‌گونه عمل می‌کنی؟! جابر گفت: «اگر آن اندازه که من از فضیلت و موقعیت آنان می‌دانم تو نیز می‌دانستی بر خاک قدمهایشان بوسه می‌زدی! بعد از رفتن حَسَنین (علیهم‌السلام)، جابر به جمع حاضر گفت که روزی نزد پیامبر ﷺ سخن از عظمت این فرزندان فاطمه به میان آمد و رسول خدا ﷺ فرمود: «خداوند بزرگ، وقتی که خواست مرا بیافریند، نطفه مرا در صلب پدرم آدم قرار داد و دائماً آن را از صلبی پاک به رحمی پاکیزه منتقل کرد تا نوح و ابراهیم و عبدالمطلب. هرگز از آلودگی‌های جاهلیت چیزی به من نرسید. در نهایت، آن نطفه دو بخش شد: یک قسمت در صلب عبدالله (پدرم) و قسمتی دیگر در صلب ابوطالب (عمویم) نهاده شد. از آن نطفه پاک و نورانی عبدالله، مرا به وجود آورد که خاتم پیامبرانم و از ابوطالب، علی (علیه‌السلام) به وجود آمد که وصی آخرین پیامبر ﷺ است. نطفه من و علی جمع شدند و حسن و حسین پدید آمدند که آخرین سبط پیامبران هستند و خداوند، نسل مرا از آن دو (از طریق علی و فاطمه علیهما السلام) تداوم بخشید. از نسل حسین (علیه‌السلام) نیز در آخر الزمان مهدی (علیه‌السلام) به پاخیزد که شهرها و سرزمینهای کفار را فتح کند و زمین را بعد از آنکه از ظلم و جور پر شده است، از عدل و داد پر کند. حسن و حسین، پاک و مطهر و سرور جوانان اهل بهشت‌اند؛ خوشا به حال کسی که آن دو و پدر و مادرش را دوست بدارند و بداً به حال کسی که با آنان دشمنی و کینه ورزی کند.»

ث. درازدواج خاص (عروسی و خواستگاری خاص)

حضرت با وجود خواستگارهای فراوان با ملاک مهمی به نام معنویت علی مرتضی ای را برگزید که از مال دنیا جز اندکی نداشت.





در روایتی هست که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله در هنگام خواندن خطبه عقد حضرت علی و زهرا ی اطهر می فرماید:

پروردگار عالم مرا امر کرد که تزویج کنم فاطمه را به علی، و هم اکنون به قصد انشاء و به امر حق، فاطمه را به عقد ازدواج علی درآوردم به مهر چهارصد مثقال نقره. آنگاه رو کرد به علی علیه السلام و فرمود: یا علی آیا راضی هستی؟ علی علیه السلام از جای خود برخاست گفت: از خدا راضی و از رسول او خشنودم. پس از آن رسول خدا صلی الله علیه و آله در حق آنها دعا کرد و گفت: خداوند مشکلات شما را برطرف نماید و شما را خوشبخت کرده و سعادتمند گرداند، و بر شما مبارک باد این ازدواج با میمنت، و فرزندان پاک و پاکیزه از شما به عمل آید.



آنگاه از منبر پایین آمد و فرمود: «انما انا بشر مثلکم اتزوج فیکم و ازو حکم الا فاطمه فان تزویجها من السماء خطبة». من یک نفر همانند شما هستم به شما زن می دهم و از شما زن می گیرم، جز فاطمه که تزویج او در آسمان انجام گرفته است.

ج. در مبارزه خاص

که تمامی اهل بیت در سیره مبارزاتی خود از ایشان الگو گرفتند. امام سجاد علیه السلام از شیوه دعا و گریه ایشان، امام صادق و امام کاظم علیه السلام از شیوه جلسات علمی ایشان و سایر اهل بیت هم همچنین.





۲. حره

یکی از القابی که حضرت علی علیه السلام، فاطمه علیها السلام را ملقب به آن نمودند حره است. در روایت هست که:

«... دَخَلَ عَلِيٌّ عَلِيَّ فَاطِمَةَ فَقَالَ لَهَا أَيَّتُهَا الْحُرَّةُ... وَقَالَتْ فَاطِمَةُ:
الْبَيْتُ بَيْتُكَ وَالْحَرْ قَوْجُكَ»^۱

علی علیه السلام بر حضرت زهرا علیها السلام وارد شد و فرمود: ای زن آزاده ... و فاطمه فرمود یا علی خانه توست و این زن آزاده همسر تو.

بر این اساس این نام از سوی علی علیه السلام برای فاطمه زهرا علیها السلام انتخاب و مقرر گردیده و حضرت زهرا علیها السلام هم بر اساس همین نام و با قبول آن در این گفتگو مجدداً از این لقب (حره) استفاده می‌کنند.

حر و حره یعنی مرد آزاد و زن آزاده. این واژه ضد (العبد) و (الاسیر) است مرد آزاد، زن آزاد.^۲

کاربردهای واژه حرو حره در فرهنگ اسلامی

گاهی واژه حریت در موضوع آزادی‌های معنوی و وارستگی انسان در فرهنگ دینی به کار می‌رود.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرمایند:

من ترک الشهوات کان حراً^۳

۱ جرعه ای از کوثر / سبحانی نسب / ص ۱۶۶ (نقل از بحار / ج ۴۳ / ص ۱۹۷)

۲ لمعانی

۳ جرعه ای از کوثر / سبحانی نسب / ص ۱۶۶ (نقل از بحار / ج ۴۳ / ص ۱۹۷)



هر کس تقاضاهای نفسانی خود را واگذارد آزاد است.

شاعر هم زیبا شعر سروده است که:

غلام همت آنم که زیر چرخ کبود زهرچه رنگ تعلق پذیرد آزاد است^۱
گاهی این واژه رنگ سیاسی به خود می‌گیرد و به انسان‌های سربلند
و ظالم ستیز رگفته می‌شود که نمونه عالی آن فرزند فاطمه علیها السلام حضرت
حسین بن علی علیه السلام است.

گاهی واژه حر جلوه‌ای عرفانی دارد و به آن گروه از بندگان وارسته از
غم جهنم و شیدای بهشت گفته می‌شود که در مقام عبادت در برابر خدا
عبادتشان عارفانه و با انگیزه حب الهی است.

علی علیه السلام می‌فرماید:

«إِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ رَغْبَةً فِتْلِكَ عِبَادَةُ التَّجَارِ وَ إِنْ قَوْمًا عَبَدُوا
اللَّهَ رَهْبَةً فِتْلِكَ عِبَادَةُ الْعَبِيدِ وَ إِنْ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ شُكْرًا فِتْلِكَ عِبَادَةُ
الْأَحْرَارِ»^۲

همانا گروهی خدا را پرستش می‌کنند به خاطر رغبت به بهشت پس
این عبادت تاجر پیشگان است و گروهی از ترس عذاب او را عبادت
می‌کنند این عبادت بردگان است و گروهی به عنوان سپاسگزار او را عبادت
می‌کنند و این عبادت آزادگان است.

۱ حافظ، غزلیات، ۳۷.

۲ بحار الانوار، ج ۶۷ / ص ۲۱۲



حکمت نامگذاری حضرت زهرا

- شاید به آن جهت به حضرت حره گفته شده است چون در برابر منافقین و کج اندیشان و حاکمین جبار زمان خود به سختی مقاومت نموده و آنان را رسوا نمود. (حریت سیاسی).
- شاید بدان جهت است که در مقام عبادتشان نه عبادت عبید بود و نه عبادت تجار بلکه عبادتش عبادت احرار بود. (حریت عرفانی).
- شاید بدان علت حضرت زهرا حره نامیده شده چال از همه بندهای نفسانی و رذایل اخلاقی رسته بود و به مقام عالی آزادی معنوی از طریق زهد و پشت پا زدن به مظاهر دنیایی نائل شده بود. (حریت اخلاقی و معنوی).
- شاید او را حره نامیدند چون بزرگترین معلم آزادی و آزادگی برای زنان و مردان است.
- شاید او را آزاده نامیدند چون آنچنان به مقامات عالی کمالی ارتقا نموده که تمامی زنان و مردان در برابر مقام شامخ او برده و کنیزی بیش نیستند (حریت حکمی و شأنی) و این کلام زیارت جامعه به همین مطلب اشاره دارد که:
- و بالاخره شاید او را آزاده نامیدند به این خاطر که او و ذریه‌اش در روز قیامت از آتش رسته و آزادند.

اسارت‌های زن امروز

اما باتوجه به معانی این لقب زیبای حضرت زهرا علیها السلام به هشت مورد





از اسارت‌های زنان امروز اشاره خواهیم کرد که درگیر این اسارت‌ها هستند. که اگر از این قید و بندها آزاد شوند زندگی‌ها بسیار شیرین‌تر و جامعه به رشد فزون‌تری خواهد رسید.

۱. اسیر شهوت‌ها

بسیاری از زنان امروز اسیر شهوت‌های فراروانی هستند و این شهوت‌ها تنها منحصر به شهوت جنسی نیست.

امام سجاد (علیه السلام) در روایت مفصلی می‌فرماید:

«فَإِنَّ شَهَوَاتِ الْخَلْقِ مُخْتَلِفَةٌ»^۱

شهوت‌های مردم با همدیگر متفاوت هست؛

- بعضی شهوت خواب دارند؛ و هر چه بخوابند، باز هم تمایل به خواب دارند.
- بعضی شهوت مال دارند؛ هر چه پول به دست می‌آورند، طمعشان بیشتر می‌شود.
- بعضی شهوت ریاست دارند؛ برای به دست آوردن مقام، از هر طریقی وارد می‌شوند.
- بعضی شهوت زیبایی دارند؛ هر چند ماه یکبار جایی از صورتش را عمل می‌کند.
- بعضی شهوت جنسی دارند؛ واز هر راهی برای تخلیه شهوت استفاده می‌کنند.

۱ الاحتجاج: ۱۹۲/۱۵۹/۲





۲. اسیر تعلقات

برخی خانم‌ها اسیر ظواهر و تعلقات دنیایی هستند مانند تنوع طلبی‌ها و مدگرایی‌ها؛

- تنوع طلبی در تلفن همراه؛ که هر ماه گوشی‌اش را عوض می‌کند.
- تنوع طلبی در ماشین؛ باید تند تند ماشین عوض کند.
- تنوع طلبی در همسر؛ بعد از چند ماه که با این یکی بود؛ دلش را میزند و سراغ دیگری می‌رود.
- تنوع طلبی در لباس؛ برای هر مهمانی یک مدل جدید لباس تهیه می‌کند.
- تنوع طلبی در دکوراسیون منزل؛ باید مبلی و پرده و ... را هر سال عوض کند.
- تنوع طلبی در دکوراسیون اداره؛ (از آنجا که پول، مال خودش نیست)، رنگ و سنگ فرش و قاب و میز و ... اداره باید چند ماه یکبار عوض شود.



گردنبند بابرکت

عماد الدین طبری در کتاب بشارة المصطفی آورده است که جابر بن عبد الله انصاری گفت: يك روز پس از نماز عصر، پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) با صحابه نشسته بودند، در این موقع پیرمردی با لباس‌های کهنه در کمال ضعف و سستی که معلوم می‌شد راه دوری را با گرسنگی پیموده، وارد شد. [پیرمرد] عرض کرد: من مردی پریشان





حالم، مرا از گرسنگی و برهنگی و گرفتاری نجات ده! رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: اکنون چیزی ندارم؛ ولی تو را به کسی راهنمایی می کنم که این حاجت را بر می آورد و راهنمایی کننده به نیکی همانند کسی است که آن را انجام داده است؛ برو به در خانه کسی که محبوب خدا و رسول است و او نیز دوستدار آنهاست. سپس به بلال دستور داد پیرمرد را به در خانه فاطمه علیها السلام راهنمایی کند. وقتی که آن مرد به در خانه [حضرت] علی علیه السلام رسید، گفت: «السلام علیکم یا اهل بیت النبوة»؛ (سلام بر شما ای خاندان نبوت). او را جواب دادند و پرسیدند تو کیستی؟ گفت: مرد عربی هستم که به خدمت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله آمدم و تقاضای کمک نمودم، ایشان مرا به در خانه شما راهنمایی فرموده.



آن روز، سومین روزی بود که خانواده حضرت علی علیه السلام به گرسنگی گذرانده بودند و پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله از این جریان اطلاع داشت. دختر پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله چون چیزی نمی یافت، همان پوست گوسفندی که فرزندان حسن و حسین علیهما السلام را بر روی آن می خوابانید، به مرد عرب داد و فرمود امید است خداوند تو را گشایشی عنایت نماید. پیرمرد گفت: دختر پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله! من از گرسنگی بی تابم، شما پوست گوسفند به من می دهی!

این سخن را که فاطمه شنید، گردنبندی را که دختر «عبدالمطلب» به او هدیه داده بود، همان را به مرد عرب داد؛ پیرمرد گردنبند را گرفت و به مسجد آورد و پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله را در میان اصحاب نشسته دید، عرض کرد: یا رسول الله! این گردنبند را دخترت به من داده و فرموده است آن را بفروشم شاید خداوند گشایشی دهد! حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله





گریان شد و فرمود: چگونه خدا گشایش نمی دهد با این که بهترین زنانِ اوّلین و آخرین، گلوبند خود را به تو داده است! عَمّار یاسر عرض کرد اجازه می فرمایی این گردنبند را بخرم؟ فرمود خریدار این گردنبند را خداوند عذاب نمی کند. عَمّار به عرب گفت: به چند می فروشی؟ پیرمرد گفت: به سیر شدن از غذایی و يك بُرد یمانی جهت پوشاك و دیناری که صرف مخارج بازگشت خود نمایم. عَمّار گفت: من به بهای این گردن بند، دویست درهم می دهم و تو را از نان و گوشت سیر کرده و بُردی هم برای پوشاکت به تو می دهم و با شتر خود، تو را به خانواده ات می رسانم. عَمّار از غنائم خیبر هنوز مقداری داشت، پیرمرد را به خانه برد و به وعده خویش وفا کرد. عرب، دو مرتبه خدمت حضرت بازگشت؛ آن جناب فرمود: لباس گرفتی و سیر شدی؟ عرض کرد: بلی! بی نیاز هم شدم. آنگاه حضرت مقداری از فضائل حضرت زهراء (علیها السلام) را بیان کردند تا آن جا که فرمودند: دخترم فاطمه (علیها السلام) را که میان قبر می گذراند، از او می پرسند خدایت کیست؟ می گوید: «اللّهُ رَبِّي». سؤال می کنند پیغمبرت کیست؟ جواب می دهد: «پدرم». می پرسند امام و ولی تو کیست؟ می گوید: «هَذَا الْقَائِمُ عَلَى شَفِيرِ قَبْرِي»؛ همین کسی که کنار قبرم ایستاده (یعنی علی (علیه السلام)). عَمّار گردن بند را خوشبو کرد و با يك بُرد یمانی به غلامی که «سهم» نام داشت داد و به او گفت: این گردن بند را خدمت پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) ببر، تو را هم به ایشان بخشیدم! حضرت او را پیش فاطمه (علیها السلام) فرستادند. دختر پیغمبر خدا (صلی الله علیه و آله) گردنبند را گرفت و غلام را آزاد کرد. غلام خندید؛ فاطمه (علیها السلام) از سبب خنده اش سؤال کرد؛ گفت از برکت این گردن بند می خندم که گرسنه ای را سیر و مستمندی را بی نیاز و برهنه ای را با





لباس و بنده ای را آزاد کرد و در آخر به صاحب اصلی خود بازگشت!^۱

گذشت از بهترین لباس

فاطمه علیها السلام هنگام عروسی پیراهنی کهنه داشت که رسول خدا صلی الله علیه و آله ضمن جهیزیه آن حضرت، پیراهنی تازه تهیه نمود تا فاطمه علیها السلام آن را در شب عروسی بپوشد، وقتی فاطمه علیها السلام با لباس نو به منزل علی علیه السلام رسید و مراسم جشن و اطعام پایان یافت و فاطمه و همسرش تنها شدند، فقیری بر در خانه آمد و اظهار نیاز نمود و گفت: ای اهل خانه! گرسنه و عریانم! به من غذا داده و لباسی برای پوشیدن به من بدهید.

فاطمه علیها السلام از غذای عروسی برای آن فقیر کنار گذاشت و لباس جدید خود را از تن بیرون آورد و همان لباس قدیمی را بر تن کرد و غذا و لباس را به فقیر بخشید و آن گاه فرمود: «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ»^۲. به نیکی نمی‌رسید، مگر زمانی که از آنچه دوست دارید، انفاق کنید.^۳

۳. اسیر مدرک گرایی

برخی گرفتار مدرک و مدرک گرایی شدند از شوهر و فرزند و آرامش و... میزنند تا مدرک بگیرند. لیسانس بعدش فوق لیسانس بعدش دکتری.... بحث ما ضرورت کسب علم نیست چون ضرورت کسب علم از قرن ها پیش

۱ بشارة المصطفی لشيعة المرتضى، طبری املی، عماد الدين أبی جعفر محمد بن أبی القاسم، المكتبة الحيدرية، نجف، ۱۲۸۳ ق، چاپ دوم، ج ۲، ص ۱۲۷.

۲ آل عمران، ۹۲.

۳ صفوری (م ۸۹۴ق)، عبدالرحمن بن عبدالسلام، نزهة المجالس و منتخب النفائس، ج ۲، ص ۱۷۵، مصر، المطبعة الكاسطية، ۱۲۸۳ق؛ شوشتری (م ۱۰۱۹)، قاضی نور الله، إحقاق الحق و إزهاق الباطل، ج ۱۰، ص ۴۰۱، قم، مكتبة آية الله المرعشي النجفی، چاپ اول، ۱۴۰۹ق





با تاکید ائمه برای همه روشن است؛ حضرت زهرا علیها السلام عالمه هست اما انحصاری کردن علم به داشتن تحصیلات اکادمیک بعضاً صدمات جبران ناپذیری به بنیان خانواده‌ها و زنان وارد ساخته است. کسانی که نه دلیل کافی و نه انگیزه و علاقه‌ی لازم برای رفتن به دانشگاه را دارد، و نه حتی برای شخص خودش مشخص است و مطمئن نیستند که حتماً کلید این قفل پشت دروازه‌های دانشگاه است و اصلاً آیا قفلی وجود داشته که پی کلید می‌گردند؟ یا تنها به این دلیل که عروس فلان خانواده‌اند و یا خانم فلان همکار همسرشان تصمیم به گرفتن مدرک دانشگاهی دارد بدون در نظر داشتن دلایل شان، به هر طریق ممکن، قصد ورود به دانشگاه را داشته و در راه رسیدن به این هدف از هیچ تلاشی فروگذار نمی‌کنند و تا پایان دوره‌ی چهار ساله و گاهی بیش تر خانه و خانواده را به حال خود رها می‌کنند؟ اما افسوس که این همه تلاش، وقتی تنها برای عقب نماندن از همسر فلان همکار انجام می‌شود، پس از مدت کوتاهی تبدیل به یک سرخوردگی خواهد شد.

این ارزش تا جایی به باوری غلط تبدیل می‌شوند که بعضی از زنان در سنین بالا و با وجود داشتن مشغله‌های متعدد تنها از روی چشم و هم چشمی و به هر ضرب و زور ممکن خود را به آن سوی دروازه‌های دانشگاه می‌رسانند و حتی به قیمت تحصیل در رشته‌ای که نه از آن لذتی می‌برند و نه منفعتی، چند سال به امید کسب مدرک در آن رشته، خود و خانواده را در محذوریت‌های عاطفی و اقتصادی قرار می‌دهد.

به گفته‌ی معاون وزیر علوم، تحقیقات و فناوری و رئیس سازمان امور دانشجویان کشور در سال ۱۴۰۰، ۶۰٪ از جمعیت دانشجویی کشور را بانوان



تشکیل می دهند.^۱

۴. اسیر سنت های غلط

زن های امروزی گرفتار سنت های غلط هستند. البته این اختصاص به خانم ها ندارد بلکه در آقایان هم وجود دارد منتهی کمتر از خانم ها هست.

سنت های غلط در مجالس ترحیم: چراغانی کردن، چاپ بفرهای بزرگ با جملات متفاوت، نوشتن چندین پلاکارد جهت تسلیت، خرید تاج گل های بزرگ و گل آرایی لوکس و آنچنانی، سفارش سنگ مزارهای عظیم و عجیب و نجومی و...

سنت های غلط در مهمانی ها: چند نوع غذا، چند نوع میوه، غذاهای مفصل و...

سنت های باستانی: مانند یلدا که وقتی در تعارض با فاطمیه قرار می گیرد از آن نمی گذرند و حتی باعث شکستن قبح فاطمیه می شوند و...

سنت های غلط در ازدواج: مقام معظم رهبری در توصیه هایشان به زوج های جوان به هشت سنت غلط در ازدواج اشاره می کنند:

۱. مهریه سنگین
۲. جهیزیه سنگین
۳. تجملات زیاد
۴. اسراف



۵. پرهیز از خرید از مکان‌های معروف به گرانی
۶. هتل‌ها و سالن‌های پرخرج
۷. لباس عروس گران قیمت
۸. به رخ کشیدن ثروتها

که مطالب زیر سخنان رهبری در تبیین این سنت‌های غلط است.

مهریه سنگین:

کسانی که مهریه‌ی بالا برای خانمشان قرار می‌دهند، به جامعه ضرر می‌زنند. خیلی از دخترها توی خانه می‌مانند، خیلی از پسرهای بی‌زن می‌مانند، به خاطر این که این چیزها وقتی در جامعه رسم شد، سنت و عادت شد، به جای (مَهْرُ السُّنَّةِ)، به جای این که مهر پیغمبر ﷺ سنت باشد، وقتی مهر جاهلی سنت شد، اوضاع، اوضاع جاهلی خواهد شد. مهریه‌ی سنگین مال دوران جاهلیت است. پیامبر اکرم ﷺ آن را منسوخ کرد. پیامبر ﷺ از یک خانواده‌ی اعیانی است. خانواده‌ی پیغمبر ﷺ، تقریباً اعیانی‌ترین خانواده‌ی قریش بودند. خود ایشان هم که رئیس و رهبر این جامعه است. چه اشکالی داشت دختر به آن خوبی که بهترین دختران عالم است و خدای متعال او را (سیده النساء العالمین) قرار داد (مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ)، با بهترین پسرهای عالم که مولای متقیان است می‌خواهند ازدواج کنند، مهریه‌ی ایشان زیاد باشد؟ چرا ایشان آمدند و این مهریه‌ی کم را قرار دادند که اسمش (مَهْرُ السُّنَّةِ) است^۱.



مهریه برترین زن عالم:

مقدار مهریه حضرت زهرا (علیها السلام) بیش از ۵۰۰ درهم نبوده است؛ این مقدار مهریه از طرف پیامبر اکرم (ص) برای دخترش، مهریه‌ای متوسط در آن زمان بوده است که به عنوان سنت، الگویی برای سایر مسلمانان قرار گرفت.^۱

جهیزیه سنگین:

بعضی از خانواده های عروس، خودشان را اذیت می کنند و به زحمت می اندازند و اگر پول هم ندارند به زحمت پول تهیه می کنند. اگر پول دارند خرج زیادی می کنند، برای این که یک جهیزیه ی مفصل پر زرق و برقی را مثلاً در اختیار دخترشان بگذارند جهیزیه ی زیاد، هیچ دختری را خوشبخت نمی کند و هیچ خانواده ای را به ان آرامش و سکون و اعتماد لازم نمی رساند. اینها زوایای زندگی است. فضول زندگی است و جز دردسر و اسباب زحمت و اسباب مشکل فایده ای ندارد.^۲

باید در تهیه جهیزیه به سه نکته توجه داشت:

اول، نیازهای یک زندگی نوپا

دوم، توانایی اقتصادی خانواده

سوم که بسیار مهم است پیروی از روش زندگی اهل بیت (علیهم السلام)

اهل بیت (علیهم السلام) در این امور، همیشه سطح عادی زندگی اجتماعی مردم را در نظر می گرفتند و تلاش می کردند تا سطح زندگی خود را در

۱ کمالی، فاطمه الگوی بشریت، ص ۱۵۷

۲ خطبه عقد ۲۸ اسفند ۷۷ خطبه عقد ۱۸ اذر ۷۵



مرتب‌های پایین قرار دهند. آنان حتی اگر می‌توانستند زندگی مرفه و خوبی داشته باشند، هیچ‌گاه اسیر اسراف، چشم و هم‌چشمی، تجمل‌گرایی و اشرافی‌گری نمی‌شدند و این همان گم‌شده جامعه امروز ماست که در صورت توجه به آن، بسیاری از مشکلات، حل خواهد شد.

نمونه بارز زندگانی اهل بیت (علیهم‌السلام)، زندگی حضرت فاطمه (علیها‌السلام) و جهیزیه آن حضرت است. صورت این جهیزیه در منابع موجود، متفاوت نقل شده، اما بنابر قول مشهور و براساس برخی از منابع چنین بوده است:^۱

- یک پیراهن؛
- یک خمار (مقنعه)؛
- پارچه‌ای سیاه از منطقه خیبر؛
- تختی بافته‌شده از پوست خرما؛
- دو عدد تشک که یکی از پشم و دیگری از لیف خرما پر شده بود؛
- چهار بالش که از اذخر (نوعی گیاه) پر شده بود
- پرده‌ای دوخته‌شده از پشم؛
- حصیری هجری (هجر نام روستایی نزدیک مدینه است که ساکنان آن به بافت حصیر اشتغال داشتند)؛
- دستاس (اسیای دستی)؛
- مشک‌ای از چرم؛
- یک ظرف مسی؛
- ظرفی برای شیر؛

۱ الطبقات الكبرى، ج ۸، ص ۱۹.





- ظرفی برای اب خوردن؛
- طشت لباسشویی؛
- پرده ای سبز رنگ؛
- دو کوزه سفالی؛
- پوستی از چرم؛
- الک برای غربال؛
- ظرفی برای طهارت (افتابه)؛
- دلوی از چرم.

تجملات زیاد

گاهی اوقات چندین نوع غذا و میوه و شیرینی و ... استفاده می شود برای یک شب مجلس عروسی که یک نوع از غذاها و یا میوه و شیرینی کفایت هست و بسیار از این ها می ماند و اسراف میشود.

ولیمه ازدواج حضرت زهرا علیها السلام

امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود: «سپس پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به من فرمود: ای علی! برای خانواده ات، غذایی آبرومند تهیه کن و سپس افزود: گوشت و نان از ما، خرما و روغن، بر عهده تو. من قدری خرما و روغن خریدم. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آستین هایش را بالا زد و شروع به تفت دادن خرماها در روغن کرد، تا آن که حلوائی ساخت، و قوچ فربه ای را برای ما فرستاد که ذبح شد، و مقدار زیادی هم نان برایمان پخت. سپس پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به من فرمود: هر کس را که می خواهی، دعوت کن. من به مسجد رفتم. مسجد، پر از صحابه بود. خجالت کشیدم که عده ای را دعوت کنم و عده ای را





و اگذارم. پس بالای تپه ای که آن جا بود، رفتم و فریاد زدم: در ولیمه فاطمه، حاضر شوید. مردم، گروه گروه آمدند. من از این که جمعیت زیاد بود و غذا اندک، خجالت زده شدم. پیامبر خدا ﷺ دریافت که در دل من چه می‌گذرد. پس فرمود: ای علی! از خداوند، برکت خواهم خواست». علی ﷺ فرمود: همه مردم تا آخرین نفر، از غذا و نوشیدنی من خوردند و نوشیدند و برایم طلب برکت کردند و همگی که بیش از چهار هزار مرد بودند، رفتند؛ اما از غذا، هیچ کم نشده بود. پیامبر خدا ﷺ دوری‌ها را خواست و آنها را از غذا پر کرد و به خانه‌های همسرانش فرستاد. سپس یک دوری برداشت و در آن، مقداری غذا ریخت و فرمود: این هم برای فاطمه و شوهرش^۱.

خرید از مکان‌های معروف به گرانی

اجناس عروسی و جهیزه و... را باید از مغازه‌ای در فلان قسمت شهر بخرند که معروف است با قیمت بسیار بالاتر از همان جنس در جای دیگر شهر.

۱ الإمام الصادق ﷺ فی حَدِيثِ زَوْاجِ عَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ ﷺ: قَالَ عَلِيٌّ ﷺ: ثُمَّ قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ (ص): يَا عَلِيُّ، اصْنَعْ لِأَهْلِكَ طَعَامًا فَاضِلًا. ثُمَّ قَالَ: مِنْ عِنْدِنَا اللَّحْمُ وَالْخُبْزُ وَعَلَيْكَ التَّمْرُ وَالسَّمْنُ. فَأَشْرَبْتُ تَمْرًا وَسَمَنًا، فَحَسَرَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) عَنْ ذِرَاعِهِ وَجَعَلَ يَشْدُخُ التَّمْرَ فِي السَّمْنِ حَتَّى اتَّخَذَهُ خَبِيصًا، وَبَعَثَ إِلَيْنَا كَبْشًا سَمِينًا فَذَبَحَ، وَخَبَزَ لَنَا خُبْزًا كَثِيرًا، ثُمَّ قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ (ص): ادْعُ مَنْ أَحَبَبْتَ. فَأَتَيْتُ الْمَسْجِدَ وَهُوَ مُشْحَنٌ بِالصَّحَابَةِ، فَاسْتَحْيَيْتُ أَنْ أَشْخِصَ قَوْمًا وَأَدْعَ قَوْمًا، ثُمَّ صَعِدْتُ عَلَى رُبُوعٍ هُنَاكَ، وَنَادَيْتُ: أَجِيبُوا إِلَيَّ وَلَيْمَةَ فَاطِمَةَ، فَأَقْبَلَ النَّاسُ أَرْسَالًا، فَاسْتَحْيَيْتُ مِنْ كَثَرَةِ النَّاسِ وَقَوْلَةَ الطَّلَامِ، فَعَلِمَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) مَا تَدَاخَلْنِي فَقَالَ: يَا عَلِيُّ، إِنِّي سَادَعُو اللَّهَ بِالْبَرَكَةِ. قَالَ عَلِيٌّ ﷺ: وَأَكَلِ الْقَوْمُ عَنْ آخِرِهِمْ طَعَامِي، وَشَرِبُوا شَرَابِي، وَدَعَوَالِي بِالْبَرَكَةِ، وَصَدَرُوا وَهُمْ أَكْثَرُ مِنْ أَرْبَعَةِ آلَافٍ رَجُلًا، وَلَمْ يَنْقُصْ مِنَ الطَّلَامِ شَيْءٌ، ثُمَّ دَعَا رَسُولُ اللَّهِ (ص) بِالصَّحَافِ فَمُلَّتْ، وَوَجَّهَ بَهَا إِلَى مَنَازِلِ أَزْوَاجِهِ، ثُمَّ أَخَذَ صُحْفَةً وَجَعَلَ فِيهَا طَعَامًا، وَقَالَ: هَذَا لِفَاطِمَةَ وَبَعْلِهَا. الْأَمَالِيُّ لِلطُّوسِي: ص ٤٢ ح ٤٥، دَانَشْنَامَةُ قُرْآنٍ وَ حَدِيثٍ ج ٣ ص ٣٩٢



هتل ها و سالن های پرخرج

عروسی و عقد و شادی چیز خوبی است. حتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هم برای دختر مکرمه ی خودشان مجلس عروسی گرفتند، شادی کردند و مردم شعر خواندند. زن ها دست زدند و خوشی کردند. اما نباید در این مجلس عقد و عروسی و اینها اسراف انجام بگیرد. یکی از اسراف ها همین مجالس عقد و عروسی گران قیمت است. در هتل ها، در این سالن های گران قیمت مجالس درست می کنند. مبالغ زیادی شیرینی و میوه و خوراکی حرام می شود، از بین می رود، روی زمین ریخته می شود و ضایع می گردد. برای چه؟ برای چشم و هم چشمی؟! برای عقب نماندن از قافله ی اسراف؟!^۱

لباس عروس گران قیمت

چه اشکالی دارد برای شب عروسی یک لباس عروس را کرایه کرد که خرج زیادی هم نداشته باشد.

به رخ کشیدن ثروت ها

اگر چنان چه در ازدواج بحث مادیات عمده شد، این معامله ی عاطفی و روحی و انسانی تبدیل خواهد شد به معامله ی مادی. این معامله های گران، این جهیزیه های سنگین، این چشم و هم چشمی ها و این به رخ کشیدن ثروت ها و پول ها که برخی از افراد غافل و بی خبر می کنند ازدواج را در واقع خراب می کنند. لذاست که در شرع مقدس مستحب است مهریه کم گرفته شود که (مَهْرُ السَّتَّة) مورد نظر است.^۲

۱ مقام معظم رهبری، خطبه عقد ۵ فروردین ۷۲

۲ همان خطبه عقد ۱۳ اسفند ۷۷



۵. اسیر جمال و چهره خودشان

برخی اسیر جمال و چهره خودشان هستند گاهی هدف از زیبایی، زیبایی برای همسر است ایرادی نداره اما گاها دیده می شود که هدف همسر نیست هدف غیراز همسر است با اینکه همسر هم راضی نیست ولی خانم عمل زیبایی را انجام می دهد چون مثلا دماغ زیبا و نوک بالا مد هست یا بخاطر چشم و هم چشمی است. جالب است بدانیم کشور ایران با آمار بالا جراحی زیبایی بینی، به عنوان پایتخت جراحی زیبایی بینی در دنیا شناخته شده است و رتبه اول را در این نوع جراحی در دنیا دارد.^۱

یا اگر باشگاه می رود که اندام مناسب پیدا کند برای همسر نیست. همسر می گوید اشهد بالله من با همین وضعی که هستی راضی هستم بجای باشگاه مطالعه داشته باش در زمینه تربیت فرزند و... ولی قبول نمی کند می گوید کلاس دارد. آقای دکتر فعالی در کتاب آرامش خود دوازه آسیب برای توجه افراطی به بدن ذکر می کند. اینقدر اسیر جسم می شود که آرامش را از خودش می گیرد و فرد وقتی هم در جمعی مینشیند قضاوت‌های او و موضوعات صحبت‌های او بر اساس جسم هست. شما چاغ شدی شما لاغر شدی آرایشگاه کجا می روی، باشگاه کجا می روی و....



۱ کتاب بینی‌ام را عمل کنم یا نه تألیف دکتر حامد کاکه‌خانی



۶. اسیر در رسانه

رسانه چیست؟

رسانه می‌تواند یک ویدئو، برنامه تلویزیونی، رادیو، روزنامه، اپلیکیشن، وبلاگ، پوستر تبلیغاتی و حتی یک پیامک باشد. همین صفحه‌ای که الان در حال خواندن آن هستید هم یک رسانه به حساب می‌آید. پس به طور کلی، هر کانالی که برای انتقال اطلاعات و ارتباط با مخاطبان استفاده شود، یکی از انواع رسانه است. با این توصیف، پنل پیامک هم یک رسانه به شمار می‌رود که یک کسب‌وکار با ارسال اس ام اس به مشتریان، با آن‌ها ارتباط برقرار می‌کند و ارتباطات خود را با مشتریان حفظ می‌کند یا مشتریان جدید به کسب و کار اضافه می‌کند.

بر اساس شاخص جهانی وب، در یک روز معمولی ۱۲ درصد مردم از تلویزیون، ۱۰ درصد از رادیو، ۱۲ درصد از مطبوعات آنلاین، ۲۸ درصد از شبکه‌های اجتماعی، ۱۳ درصد میکرو بلاگینگ و ۹ درصد از وبلاگ‌ها استفاده می‌کنند. در این میان، فقط ۱۷ درصد مردم به انجام کارهای دیگر مشغول‌اند. این آمار نشان می‌دهد که اطلاعات موجود در رسانه (درست یا غلط) تأثیر زیادی بر افکار مردم می‌گذارند. و حتی افکار انسان را دربند می‌کشند و مانع از تفکر و مطالعه و کسب اطلاعات می‌شوند و انسان را دربند اسارت قرار می‌دهند.

معنای اسارت در رسانه

الف) مشغولیت به رسانه:

صرفاً با مشغولیت به رسانه (برنامه‌های تلویزیونی، شبکه‌های



اجتماعی، فیلم و رسانه‌های اینترنتی و بازی‌های موبایل و کانال‌های خانوادگی و رفاقتی و... از وظایف و کارهایی که در خانه دارد عقب می‌افتد.

ب) اسارت فکری رسانه‌ای:

به آن معنا نیست که نگذارند فکر کنید بلکه اسارت فکری یعنی فرصت ندهند شما فکر کنید.^۱

از نمونه‌های منفی محصولات رسانه‌ای می‌توانیم به انتشار شایعه اشاره کنیم. به گزارش مرکز افکارسنجی خبرگزاری فارس، عملکرد ۵ رسانه بی‌بی‌سی فارسی وابسته به دولت انگلیس، ایران اینترنشنال وابسته به دولت سعودی، صدای آمریکا و رادیو فردا وابسته به دولت آمریکا، منو تو وابسته به جریان بهائیت و صفحات مجازی آنها نشان می‌دهد این رسانه‌ها در ظرف تنها ۲۵ روز (۲۳ شهریور تا ۱۶ مهر) مجموعاً ۱۷۳۱۲ دروغ را درباره حوادث اخیر ایران منتشر کرده‌اند. در این پیمایش صرفاً وب‌سایت، کانال تلگرام، صفحات توئیتر و اینستاگرام رسمی این ۵ رسانه بررسی شده و شبکه‌های تلویزیونی آنها مورد بررسی قرار نگرفته است. بدین ترتیب در این ایام به طور متوسط ۴۸٫۸ درصد اخبار منتشر شده این رسانه‌ها خلاف واقع بوده یعنی تقریباً از هر ۲ خبر یک خبر صحت نداشته است. این رسانه‌ها در ۲۵ روز گذشته به طور متوسط هر دو دقیقه یک دروغ منتشر کرده‌اند.





شعار زن، زندگی، آزادی

این شعار که در اغتشاشات امسال روی آن مانور داده شد و برخی از خانم ها هم اسیر این جو سازی شدند در واقع شعار گروهک تجزیه طلب پ.ک.ک به سرکردگی عبدالله اوجالان است که خودش در تجاوز به زنان پیشگام و پیشتاز بوده و با نگاه مارکسیستی فاقد نگاه ارزشی به نظام خانواده است و خانواده را عامل عقب ماندگی زنان میدانند. و همچنین اوجالان معتقد است که تا زن آزاد نشود جامعه آزاد نمی شود بر همین اساس ازدواج در این گروهک ممنوع بوده چون زن را محدود می کند و این نگاه ابزاری نتنها در این گروهک بلکه در سایر گروهک های ضدانقلاب نظیر کومله و نفاق هم دیده میشود اما سوال اینجاست که در زمان حمله داعش به کردستان که منجر به تجاوز و کشتن زنان کرد و ایزدی و... شد چرا هیچ عکس العملی انجام ندادن و از طرفی در اغتشاشات امسال دیدیم که چطور چادر از سر زنان محجبه کشیدند و به نوامیس مردم تعرض کردن و همچنین جنایت گروهک نفاق به زنان کرد و مسلمان به هیچکس پوشیده نیست.

منظور و هدف از آزادی در این شعار

قطعا منظور از آزادی در این شعار برهنگی و استفاده ابزاری از زن که خلاف شانیت و خلقت وجودی اوست می باشد و الا اسلام و انقلاب به هیچ وجه مخالف حضور زن در اجتماع نیستند و ارزش بسیار زیادی برای خانم ها قائل هستند.

القای الگوهای نامناسب

از نمونه های اسارت فکری دیگر در رسانه ها این است که همیشه





سعی می‌کنند تصویر افراد لاغر، عضلانی و مانکنی را به عنوان یک هیکل زیبا به مخاطب نشان دهند. دیدن تیپ‌های لاغر و عضلانی تأثیر بسیاری روی احساس مخاطبان نسبت به بدنشان و همچنین رژیم غذایی آن‌ها می‌گذارد. مثلاً زنان ممکن است با دیدن مدل‌های مانکنی در کمپین‌های تبلیغاتی، رضایت کمی نسبت به بدن طبیعی خود داشته باشند. مشاهده مداوم این تصاویر باعث می‌شود که مخاطبان بدون توجه به سلامت جسمانی، سبک زندگی و تغذیه خود را تغییر دهند.

۷. اسیر رقابت با مردها

برخی خانم‌ها اسیر در رقابت‌ها با مردها هستند. بدون توجه به خلقت وجودی خود می‌خواهند برای اینکه از آقایان کم‌نیاورند رقابت کنند. در اقتصاد، سیاست، اشتغال حتی به قیمت فشار و سختی‌های فراوانی که تحمل می‌کنند به عبارت دیگر به دنبال تعریف، برقراری و دستیابی به حقوق برابر جنسیتی در مسائل سیاسی، اقتصادی، شخصی و اجتماعی است که ریشه در فمینیسم دارد هستند.^۱

رشته‌ای بر گردن افکنده حرص! می‌کشد بر هر طرف مانند خرس!!!^۲

تفاوت‌ها لازمه آفرینش هستند و زیبایی و تکامل به تفاوتها بستگی دارد. شکوفه، گل و شاخه را در نظر بگیرید. شاخه جمسی نسبتاً خشن و سبتر دارد ولی گل و شکوفه از ظرافت و نرمش ویژه‌ای برخوردار است.

Lengermann, Patricia; Niebrugge, Gillian (۲۰۱۰). "Feminism". In Ritzer, G.; Ryan, J.M. (eds.). The Concise Encyclopedia of Sociology. John Wiley & Sons.

۶-۸۳۵۳-۴۰۵۱-۱-p. ۲۲۳. ISBN ۹۷۸

۲ اصل شعر: رشته‌ای بر گردنم افکنده دوست می‌کشد هر جا که خاطر خواه اوست





زیبائی، خود آرائی و خودنمایی گل چشمگیر و استحکام و توانمندی شاخه غیر قابل انکار است، اگر شاخه چنین نباشد، گل پشتوانه محکوم و جایگاه مستحکمی برای خودنمایی نخواهد داشت و اگر گل چنان نمی بود، شاخه قادر به ابراز وجود و امید به آینده و میوه و ثمر نداشت، گل نشانگر زندگی و حیات درخت و شاخه است و شاخه و درخت پشتیبان و نگهدارنده گل.



در اینجا صحبت از تساوی یا تفاوت بی معنی است و اینکه بکوشیم شاخه و گل را مساوی معرفی کنیم، غیر علاقلانه است؛ زیبایی شاخه و گل و همین است که هستند و نظام خلقت به بهترین وجه آنها را تنظیم نموده است. اصولاً همیشه مساوات، مساوی با حق و عدل نیست و تفاوت نیز همواره ظلم و ستم نمی باشد. در اینجا اگر شاخه و گل یکسان و مساوی بودند، خلاف عدالت بود و اگر تفاوت نداشتند بی عدالتی می بود. پیرامون زن و مرد، در نظام خلقت نیز چنین است. اصرار ورزیدن که اینان را مساوی مساوی یا متفاوت بدانیم، کاری است بر خلاف طبیعت قدم براشتن، و اگر یک صورت آن را درست و به صلاح زن و دیگر را نادرست و به زیان او تلقی کنیم، از روی غرور و جهالت سخن گفتن است. بی تردید، زن و مرد، در بسیاری از جهات مانند جنبه های وجودی و حیات تدبیر امور و شئون زندگی و آنچه که عامل قوام حیات انسانی است مساویند و هیچگونه تفاوتی ندارند و قرآن مجید می فرماید:

«...أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى»^۱

۱ من کار و عمل هیچ کار کننده و عاملی از شما چه زن و چه مرد را ضایع نمی سازم که برخی از شما از برخی دیگر هستند (تفاوتی در سنخ وجود ندارید)
آل عمران / آیه ۱۹۵





و خطاب به انسان می‌فرماید:

«الَّذِي خَلَقَكَ فَسَوَّاكَ فَعَدَلَكَ»^۱

این خطاب به نوع انسان است و در نوع انسان بودن هم در فرهنگ قرآن، زن و مرد یکی هستند و این آفرینش و خلقت هر دو را، آفرینشی زیبا و موزون و معتدل معرفی کرده است. زن و مرد یکسان نیستند. فرهنگ‌های مادی که استعمار نیز همواره مبلغ آن بوده و هست بر اثر دفاع‌های غیر منطقی و خلاف طبیعت، کار را به جایی رساندند که گاهی زن آرزو کرد مرد باشد و گاهی مرد خویشتن را به شکل زن در آورد، یا گاهی مردها گفتند خدا را شکر که زن نیستیم.

بدیهی است که زن و مرد از جهات بسیاری مساوی اند، اما مانند هم نیستند و در بسیاری از امور، تفاوت‌های فراوانی دارند و این تساوی و تفاوت، زمینه اختصاص حقوق ویژه‌ای را برای هر کدام فراهم می‌کند و هر کدام وظیفه‌ای متناسب با شرایط وجودی و ساختمان جسمی و خصایص روحی خود را دارا خواهند بود.

۸. اسیر ابر قدرت‌ها

هشتمین اسارت در خانم‌ها این است که اسیر ابر قدرت‌ها هستند نه تنها زن‌های مسلمان بلکه جامعه زنان اسیر ابر قدرت‌ها هستند و در برابر قدرت‌های ظالم تسلیم شده‌اند و این ابر قدرت‌ها هستند که برای خانم‌ها تصمیم می‌گیرند، ضائقه‌سازی میکنند، به بردگی میکشانند و

۱ خدائی که تو را آفرید و به بهترین وجه کمال بیار است و معتدل و موزونست ساخت انظار / آیه ۷۰



آنها را قیمت گذاری می کنند و می فروشند و باهدف و کارکرد التذاذی این سیاست را جلو میبرند. براساس آمارها، استعمارگران در طول تاریخ با سرکوب سیستماتیک حقوق زنان سعی در کاهش قدرت آنان و ساخت فرهنگی مردسالارانه و خشن را داشتند تا از طریق آن و با ایجاد دودستگی در جوامع مستعمره، فرهنگ آنجا را تخریب و مردمان آن را تحت سلطه و مدیریت خود درآورند.^۱

۳. منصوره

حضرت فاطمه زهرا (ع)، لقب های زیادی داشتند که نشان از عظمت مقام ایشان دارد اما در این میان «منصوره» نامی است که جبرائیل توصیف آن را در آسمان ها بر حضرت محمد (ص) کرد و چرایی آن را تبیین نمود.

در سفر معراج پیامبر اکرم (ص) سئوالی را بدین شرح از جبرئیل پرسید:

حَبِيبِي جَبْرَائِيلُ وَلِمَ سُمِّيتَ فِي السَّمَاءِ الْمَنْصُورَةَ وَفِي الْأَرْضِ فَاطِمَةَ قَالَ سُمِّيتَ فِي الْأَرْضِ فَاطِمَةَ لِأَنَّهَا فَطَمَتْ شَيْعَتَهَا مِنَ النَّارِ وَفُطِمَ أَعْدَاؤُهَا عَنْ حُبِّهَا وَهِيَ فِي السَّمَاءِ الْمَنْصُورَةُ وَذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ «يَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ بِنَصْرِ اللَّهِ يَنْصُرُ مَنْ يَشَاءُ» يَ عَنْ نَصْرِ فَاطِمَةَ لِمُحِبِّيْهَا.

ای حبیب من جبرئیل! چرا [او] در آسمان «منصوره» و در زمین

1 <https://www.khanacademy.org/humanities/whp-origins/era-۷-the-great-convergence-and-divergence>



«فاطمه» است؟

جبرئیل گفت: بدین سبب در زمین «فاطمه» نامیده شده که شیعیان خود را از جهنم رهایی می‌بخشد، و دشمنانش از محبت وی بی‌بهره خواهند بود، و در آسمان بدین جهت «منصوره» است که مورد نصرت خدا قرار گرفت. بدلیل قول خداوند متعال که فرموده:

”در آن روز (قیامت) مؤمنان به جهت یاری خدا که هر فردی را بخواهد یاری دهد خرسند می‌شوند“؛

منظور از این یاری همان نصرتی است که خدا به فاطمه علیها السلام به خاطر دوستانش می‌نماید.

در روایت آمده است در صحنه محشر که خلق اولین و آخرین جمع هستند صدا می‌آید که ای اهل محشر چشم بپوشید فاطمه می‌خواهد وارد صحنه محشر شود، لذا آن وقت که حضرت وارد می‌شود تمام چشم‌ها فرو می‌افتد حتی چشم همه انبیاء جز وجود مقدس پیامبر و معصومین علیهم السلام نیز فرو می‌افتد. سپس حضرت در پیشگاه الهی از برخی افراد که به او و فرزندان او و دین خدا جفا کردند شکایت می‌کند و بعد از آن حضرت پس از آن شروع به شفاعت می‌کنند به قدری که به تعبیر روایت همه را جمع می‌کند فقط یک مشت علف هرز بدر نخور که تنها بدرد جهنم می‌خورد باقی می‌ماند

پس لقب منصوره از آسمان است و در میان آسمانها معروفتر است و نشان می‌دهد که حضرت مورد نصرت الهی است.



یاری فرزند، یاری مادر

اما نکته مهم این است که ما در قبال این یاری حضرت، چگونه میتوانیم ایشان را یاری کنیم.

یکی از مهمترین انتظارات حضرت زهرا (علیها السلام) یاری فرزند نظلومشان مهدی صاحب الزمان و نائب برحقشان است.

اگر حضرت زهرا از ما سوال کنند که «در دفاع از امام زمانت چه کردی؟» ما چه جوابی داریم؟ حضرت زهرا در طول عمر بابرکت خود دفاع از امام عصر را به ما آموخت و حجت را بر ما تمام کرد.

از جمله صفاتی که به همه ائمه اطهار اطلاق می شود، غربت است.

گفت: غریب به چه کسی می گویند؟ گاهی در خانه یا وطن خود غریب هستیم و می گوئیم کسی نیست حرف مرا بفهمد و من را یاری کند. نقطه مقابل غربت و به نوعی راه نجات از غربت، «یار» است. وقتی می گوئیم امامان ما غریب هستند، یعنی تنها بودند. ما در وصف امام عصر داریم «او تنهاست و یار ندارد». اگر امام علی بعد از رحلت پیامبر اعظم ۲۵ سال خانه نشین شدند یا حضرت حجت نزدیک یک هزار و ۲۰۰ سال از نظرها غایب است و غمی ایشان را اذیت می کند، همه به خاطر غربت است.

حضرت زهرا به ما درس دادند و در دعای ندبه نیز می خوانیم که می فرمایند بر من سخت است بفهمم تو (حضرت ولی عصر) را رها کنند و هرکه می تواند تو را یاری کند، تو را یاری نکند. حضرت زهرا ۴۰ شب خانه انصارو مهاجرین رفتند، خطبه خواندند و وصیت کردند تا یک اتفاق



بیفتد و آن اتفاق این بود که آنها را با امیرالمؤمنین یار و همراه کنند.

امروز یاری امام مساوی گام برداشتن برای حل تمامی دغدغه‌های نائیش هم می‌شود از جهاد تبیین گرفته تا فرزندآوری و....

۴. حانیه

علامه مجلسی می‌نویسد: «الحانیه أی المشفقة علی زوجها وأولادها»؛ حانیه کسی که نسبت به همسر و فرزندان خود مهربان است. حانیه کسی که نسبت به همسر و فرزندان خود مهربان است. حانیه یعنی کسی که در آن عشق و محبت موج می‌زند.

- عشق و محبت نسبت به همسر
- عشق و محبت نسبت به فرزندان
- عشق و محبت حتی نسبت به مؤمنین

ما باور داریم که حضرت زهرا ام‌المؤمنین است «...السَّلامُ عَلَيْكِ يَا أُمَّ الْمُؤْمِنِينَ...»^۲

حضرت زهرا بالاترین سرمایه خودش را که جانش بود در این دنیا فدا کرد تا خط هدایت مؤمنین و مسلمین گم نشود.

باید رفتار علوی و فاطمی در زندگی ما رواج داشته باشد. اگر می‌خواهیم حضرت فاطمه عليها السلام ما را شفاعت کند، باید زندگی و رفتارهای ما

۱ بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ۴۳، ص ۱۷
 ۲ سید علی بن موسی بن طلوس، إقبال الأعمال، ص ۶۲۴ دار الکتب الإسلامية، تهران، ۱۳۶۷ هـ ش.



فاطمی و علوی باشد.

مرحوم دولابی می فرمود که شما با نیت و محبت می توانید کارهای زیاد بکنید. بشرط اینکه بد اخلاقی ها و رذایل را از خودتان دور کنید و روح تان را پاک کنید. وقتی شما وضو می گیرید یعنی بدی ها را از خودتان دور می کنید. وقتی شما سر و صورت تان را اصلاح می کنید به این نیت است که از خیالات بد و فکرهای شیطانی دور کنید. وقتی شما زباله ها را از خانه تان دور می کنید یعنی دشمنان اهل بیت را از خودتان دور می کنید. وقتی شما به خانه می آیید به همسرتان بعنوان دوست و شیعه ی فاطمه زهرا علیها السلام نگاه کنید و به او محبت کنید. همه ی دوستان و شیعیان فاطمه زهرا علیها السلام محرم حضرت فاطمه هستند یعنی مثل سلمان از اهل بیت می شوند. شیعیان اهل بیت جزو بازوی اهل بیت هستند. ما باید با رفتار و نیت خوب فضای خانه را نورانی کنیم. خانم های خانه به شوهرشان به قصد دوست اهل بیت محبت کنند و نسبت به آنها گذشت کنند.

برای اینکه متصوف به این صفت حضرت زهرا بشویم و زندگیمان سراسر از محبت و عشق بشود راهکارهایی وجود دارد که در ادامه بدانها خواهیم پرداخت.

الف. کاهش توقعات در زندگی

بارها این جمله را که «توقع داشتن از دیگران، به ما صدمه می زند»، شنیده ایم. داشتن توقع و انتظارات از دیگران مانعی بزرگ برای لذت بردن از زندگی مان است. بنابراین برای پیشگیری از صدمه به روح و روان مان،



بهتر است توقعات خود از دیگران را تا جایی که می‌توانیم کاهش دهیم.

یکی از اساتید بزرگ حوزه تهران می‌فرمودند:

« خدا رحمت کند اساتید ما را، فقیه عارف، مرحوم آیت الله آسید عبدالله جعفری که از برجسته‌ترین شاگردان علامه طباطبایی در همه ابعاد بودند، به بنده فرمودند، من از فرزندان خودم هیچ توقعی ندارم که کاری برای من انجام دهند، بعد فرمودند که یکی از این همسایه‌های ما به مناسبت‌های مختلف، گاهی می‌آید و دیدنی از ما می‌کند، (آقای جعفری در منزل بود و خیلی اهل اینجا و آنجا رفتن، نبودند) فرمودند که بار اول آمد و بار دوم آمد و ما دیدیم که بد است که ما بازدید او نمی‌رویم، لذا فرمودند که من بلند شدم و رفتم بازدید این همسایه و همین که وارد خانه شدم، او گفت به جدتان قسم! اگر یک بار دیگر به بازدید من بیایید، من دیگر نمی‌آیم شما را ببینم، من توقعی ندارم که شما بازدید من بیایید. ایشان می‌فرمودند که خیلی عجیب است که آدم اینقدر بی‌توقع باشد.

تشکر کردن گاهی زبانی است و گاهی عملی. زبانی این است که انسان می‌گوید ممنونم، متشکرم، زحمت کشیدید، اینها زبانی می‌شود. عملی این است که وقتی شما می‌روی دیدن برادررت، خواهرت، فامیلت، دوستت، و او به بازدید شما نمی‌آید، چون شما توقع تشکر دارید، رنجیده خاطر می‌شوید، ناراحت می‌شوید، گاهی حتی به غیبت و بدگویی و گله‌گذاری، انسان ابتلا پیدا می‌کند. توقعی که شما دارید که او به بازدید شما بیاید، یعنی توقع دارید که او یک تشکر عملی کند. بازدید، یک تشکر



عملی است.

پس توقع تشکر، منافات با سیر عبودی است. چرا؟ چون اولاً انسانی که توقع تشکر از دیگران دارد، اخلاصش آسیب می بیند، شما مگر کار را برای دیگری انجام دادی که از او توقع تشکر داری؟ پس اولاً توقع تشکر، به اخلاص انسان آسیب می زند. آسیب به اخلاص یعنی تمام سرمایه سیر را از دست دادن.

مشکل دیگری که ایجاد می کند این است که شخص را از شوق انجام وظایف عبودی باز می دارد و او را ناامید می کند. مثلاً وظیفه اش این است که به خانوادگی رسیدگی کند و خانواده هیچ تشکری نمی کند، او هم چون توقع تشکر دارد، می گوید خب من برای چه باید این همه زحمت بکشم؟ لذا وظایف عبودی اش معطل می ماند. یا در جامعه خدماتی انجام می دهد، هیچ کس از او تشکر نمی کند، و پیش خود می گوید من برای چه باید این کارها را انجام دهم؟

حالا در روایت عرض خواهیم کرد، مسئله بالاتر از اینهاست، حتی اگر ناسپاسی نسبت به انسان بکنند، یعنی یک وقت هست تشکر نمی کنند، یک وقت هست ناسپاسی هم می کنند، این در روحیه انسان، یک ذره نباید مشکل ایجاد کند و کدورتی ایجاد کند، این باعث می شود که شوق انسان به انجام وظایف عبودی تضعیف شود و شخص نا امید شود. این همه مشکل دوم.

مشکل سوم این است که توقع تشکر از دیگران، سبب می شود که انسان از برکات انجام خیر، باز بماند. یک وقت هست وظیفه واجبش





هست، اما یک وقت وظیفه واجبش نیست و وظیفه مستحبی است که دارد انجام می‌دهد، یک خدمت اضافه ای هست که نسبت به دیگران انجام می‌دهد، یعنی کف واجبش را انجام داده اما مازاد آن بر او واجب نیست، اما اگر انجام دهد، آثارش زیاد است.

من یک قضیه ای را عرض کنم خدمتتان، استاد بزرگوارمان، مرحوم آیت الله پهلوانی رضوان الله تعالی علیه، ایشان در یک روز زمستانی، می‌آیند بروند درس مرحوم علامه رضوان الله تعالی علیه، می‌بینند یک پیرمرد سید که ظاهراً روحانی بوده است، دارد برف‌ها را از روی پشت بامش پارو می‌کند، ایشان هم می‌توانست سرش را پایین بیندازد و برود درس علامه، اما ایشان آن جلسه حضور پیدا نمی‌کند و می‌رود کمک پیرمردی که برف‌ها را پارو می‌کرد، بارها بود که ایشان در جلسات به ما تذکر می‌دادند، در بازار قم یک شیبی هست مثل همین بازار سبزه میدان، می‌فرمودند که این حمال‌ها را که دیدید روی گاری‌ها بار گذاشتند و بالا می‌آیند، نگویید من روحانی هستم و لباس روحانیت به تن کردم، بلکه دست بزنید و کمکش کنید بیاید بالا و بار را بتواند بیاورد بالا، در حالی که شما می‌توانید دست هم نزن.

ده بار شما یک کار را می‌کنی و ممکن است تازه چیزی هم به تو بگویند، یعنی تشکر که نمی‌کنند هیچ، یک چیزی هم به شما بگویند، به وسله توقع داشتن، برکات خیرات در اینجا سد می‌شود که روایتش را عرض خواهیم کرد. پس دندان توقع تشکر از خلق خدا را بکشیم و این را ریشه کن کنیم. آن وقت می‌بینیم که انسان چه کارها که انجام می‌دهد و چه آثاری و چه نشاطی در وجودش هست.





مضمون یک روایت این است که انسانی که توقع تشکر از خلق خدا ندارد و خلق خدا از او تشکر نمی کنند، بلکه در برابر او ناسپاسی می کنند، مثلاً مرد، خانمش ناسپاسی می کند و یا زن، شوهرش ناسپاسی می کند و مسائل را هیچ نمی بیند و زحمات او را نمی بیند، ما دیدیم که گاهی از مردها زیاد گله می کنند و می گویند ما این همه در خانه زحمت می کشیم، اصلاً این مرد اینها را نمی بیند، خب این زنی که به ندیدن این مرد، توجهی ندارد، حتی اگر این مرد ناسپاسی می کند، هیچ کدورتی در دلش ایجاد نمی شود، چنین فردی با انبیا و اولیای الهی همراهی خواهد کرد.»^۱

ب. تغییر نوع نگاه به همسر و فرزند

دومین راهکار تغییر نوع نگاه ما به اعضای خانواده مان است. اینکه بدانیم و ببینیم که همسر و فرزندمان کلفت نیستند، فرزند رحمت و نعمت خداوند است و همسر همراه و نردبان سلوک ما به سمت خداوند متعال است. اینها امانتی از سمت خدا پیش ما هستند که باید یک روزی به سلامت برگردانده شوند.

امیرالمؤمنین علی (ع) می فرمایند:

«الْمِرْأَةُ رِيحَانَةٌ وَلَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ»^۲

زن همان است که در این روایت آقا امیرالمؤمنین فرموده است؛ مثل یک گل. یک گل، وجودش لازم است و نگهداری اش لوازمی دارد؛ وَلَيْسَتْ

۱ <http://rajanews.com/node/۳۱۲۵۵۲>

۲ نامه ۳۱ نهج البلاغه





بِقَهْرَمَانَه، منظور از قهرمان، این قهرمان متعارف ما نیست، قهرمان یعنی کارگزار؛ یعنی در واقع رئیس خدمه. این جوری نیست که خانم در خانه‌ی شما مسئول خدمتگزاری باشد، حالا ولو به عنوان رئیس خدمه؛ قضیه این نیست. وَلَيْسَتْ بِقَهْرَمَانَه؛ قهرمان در تعبیرات عربی و در اصطلاحات رایج ادبیات عرب عبارت است از آن کسی که ملک شما را برایتان اداره میکند؛ یعنی کارهایتان را انجام میدهد؛ وقتی شما صاحب یک ملکی هستید، یک قهرمانی دارید؛ می‌گویید زن این جوری نیست. حالا شما ببینید اگر در یک خانواده‌ای، در یک جامعه‌ای، به زن با این چشم نگاه بشود، اولاً تکریم او، حفظ حرمت او، برخورد ملاطفت‌آمیز با او و مسائل فراوانی که دنبالش هست، چقدر موجب میشود که زن احساس امنیت کند، احساس آرامش کند.^۱

پ. درک متقابل

درک متقابل در زندگی زناشویی و روبرو بین همسران هم بسیار مهم است؛ اینکه وقتی از سر کار به منزل می‌آییم فکر نکنیم همسرمان بی‌کار بوده یا ما چون بیرون از منزل کار می‌کنیم اجازه داریم در خانه هیچ کاری انجام ندهیم. در نظر داشته باشیم همسرمان هم با انجام کارهای خانه خسته است؛ در زمان مشکلات اقتصادی هم مراقب باشیم که چیزهای غیرواجب طلب نکنیم و اضافه خرج نکنیم بنابراین همسرمان سزاوار برخوردی شایسته از طرف ماست.



دختر علامه طباطبائی نقل می کند:

در اتاقی که کرایه کرده بودیم، در طرفی، پدرم برای طلاب تدریس می کرد و ما در پشت پرده زندگی می کردیم؛ ولی با تمام این مشکلات، زندگی بسیار شادی داشتیم. مادرم مشکلات را از پدرم پنهان می کرد و معتقد بود حتی یک ساعت اشتغال ذهن پدرم به مسائل زندگی، برای مادر گناه محسوب خواهد شد و تمامی مشکلات زندگی را از پدر پنهان می کردند تا ایشان با خیال آسوده به تحصیل و تدریس بپردازند.^۱

حضرت زهرا علیها السلام به ما یاد داد که تنها کسانی رهرو و پیرو من خواهند بود که این ویژگی ها در درونشان تجلی و نمود پیدا کند.

ت. ابراز عشق، علاقه و محبت

زندگی مشترك خانوادگی نیاز شدید به علاقه، محبت، مهربانی و عشق زن و شوهر به یکدیگر دارد و هر کدام از آنان باید بگونه ای رفتار کنند که مجذوب همدیگر باشند و کانون خانواده را گرم نگه دارند. گرچه دوستی و محبت از ابتدای تشکیل خانواده وجود دارد، اما برای تداوم و افزایش آن، باید تلاشی دو جانبه صورت گیرد، تا علاقه و محبت زن و شوهر به یکدیگر افزایش یابد. امیر مؤمنان، علی (علیه السلام) می فرماید:

«بِالتَّوَدُّ دَسَّ أَكْذَرُ الْمَحَبَّةِ»^۲

با ابراز دوستی، محبت محکم تر می شود.

۱ خانم نجمه سادات طباطبائی، به نقل از: پایگاه اینترنتی بلاغ، نشانی:

<http://www.balagh.ir/content/۳۸۲۹>

۲ میزان الحکمه جلد هفتم محمد محمدی ری شهری صفحه ۴۰۲/غیر الحکم



از راه‌های جلب محبت برای ایجاد محبت و توجه بیشتر زن و شوهر به یکدیگر میتوان به مواردی اشاره کرد:

الف) برخورد نیکو در فراز و نشیب زندگی و در محیط کار و خانواده، با روی گشاده و خوش اخلاقی.

امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید:

«بِحُسْنِ الْعِشْرَةِ تَدُومُ الْوُصْلَةُ»^۱

برخورد شایسته و نیکو، مایه تداوم پیوند است.

ب) خانوم در هنگام ورود به خانه و خروج از خانه به سمت همسرش بیاید و بارفتار نیکو و روی خوش از او استقبال کند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

«حَقُّ الرَّجُلِ عَلَى الْمَرْأَةِ ... أَنْ تَسْتَقْبِلَهُ عِنْدَ بَابِ بَيْتِهَا فَتُرْحَبَ»^۲

حق مرد بر زن این است که ... هنگام ورود شوهر، تادر خانه استقبالش کند و به وی خوش آمد گوید.

ج) تشکر و قدردانی سپاسگزاری از کارهای شایسته همسر

یکی از راههای جلب محبت، تشکر و قدردانی و سپاسگزاری از کارهای شایسته همسر است و مایه تشویق و ترغیب به ادامه کار است و

۱ غرر الحکم و درر الکلم ، جلد ۱ ، صفحه ۳۰۱

۲ مکارم الأخلاق ، جلد ۱ ، صفحه ۲۱۴





بی توجهی و عدم قدردانی از اعمال پسندیده، روحیه ناامیدی و دلسردی به وجود می آورد و نشانه پستی و خواری است. در زندگی خانوادگی، هر کدام از زن و شوهر، در جهت ایفای وظایف خود، متحمل رنج و زحمت می شوند و تمام تلاش خود را وقف زندگی می کنند. از این رو، سزاوار است که هر دو نسبت به کار یکدیگر سپاسگذار باشند

حضرت علی علیه السلام می فرمایند:

«الَّذِي لَا يَشْكُرُ النِّعْمَةَ»^۱

پستی آن است که از نعمت قدردانی و سپاسگذاری نکنی.

ث. احسان و هدیه دادن به یکدیگر

هدیه دادن که نشانگر محبت و ارادت قلبی افراد نسبت به یکدیگر است، در زندگی مشترك خانوادگی از اهمیت بیشتری برخوردار است و موجب افزایش محبت همسر نسبت به شوهرش می شود و کینه ها و دشمنیها را از بین می برد. از این رو، شایسته است که شوهر به تناسب امکانات خود، هدایای مناسبی تهیه کرده و در مناسبت های گوناگون و نیز پس از بازگشت از مسافرت - که بطور معمول همسر در انتظار آن نشسته است - به او تقدیم کند.

پیامبر گرام اسلام صلی الله علیه و آله می فرمایند:

«الْهَدِيَّةُ تُوْرُثُ الْمَوَدَّةَ وَ تَجْدِرُ الْأُخُوَّةَ وَ تَذْهَبُ الضَّغِينَةَ»





تَهَادُوا تُحَابُوا^۱

هدیه موجب مودّت و پایداری برادری می‌شود و کینه‌ها را از بین می‌برد، به یکدیگر هدیه دهید تا همدیگر را دوست بدانید.

۵. کوثر

کوثر، واژه‌ای قرآنی و از القاب حضرت زهرا علیها السلام است که در لغت به معنای خیر فراوان است. یعنی کسی و چیزی که از کم اما بهره‌های فراوان می‌دهد. این کلمه یک بار در قرآن، در سوره کوثر آمده است. درباره تفسیر و مصداق کوثر اختلاف نظر و اقوال متعددی وجود دارد.^۲ برخی از تفاسیر کوثر عبارتند از: رودی در بهشت، اسلام، نبوت، قرآن، علم و حکمت، حوض کوثر، شفاعت، کثرت یاران و پیروان و فراوانی نسل و فرزندان^۳، اما به گفته صاحب مجمع البیان همه این احتمالات درست است؛ زیرا لفظ کوثر شامل خیر کثیر در دنیا و آخرت است که همه تفاسیر مذکور را دربر می‌گیرد

فاطمه کوثر است. فراوانی و ماندگاری دودمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فقط از طریق وجود با برکت فاطمه زهرا علیها السلام در جهان تحقق یافته و خداوند نسلی بی نظیر و ماندگار به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عطاء فرمود. این وجه مطابق با شان نزول هم هست و دشمنان اسلام با مرگ فرزندان پسری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، او را اتر نامیدند، اما خداوند در آن زمان به پیامبرش تسلی داد که کوثر نصیب او خواهد نمود و این وجه دو جهت دارد: یازده امام

۱ بحار الأنوار، جلد ۷۴، صفحه ۱۶۶

۲ فخررازی، التفسیر الکبیر، ۱۴۲۰ق، ج ۳۲، ص ۳۱۳-۳۱۶؛ طباطبائی، المیزان، ۱۳۹۰ق، ج ۲۰، ص ۳۷۰

۳ فخررازی، التفسیر الکبیر، ۱۴۲۰ق، ج ۳۲، ص ۳۱۳-۳۱۶؛ طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۷۲ش، ج ۱۰، ص ۸۳۶؛ طباطبائی، المیزان، ۱۳۹۰ق، ج ۲۰، ص ۳۷۰.





معصوم از فاطمه زهرا علیها السلام و هزاران هزار نفر از فرزندان و دودمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله؛

فاطمه کوثر است به خاطر آنکه همه باید دستورات و معارف و احکام دین را بوسیله او و فرزندان او بگیرند. همه روایاتی که از ابواب مختلف اسلام از ائمه معصومین به ما رسیده - به عنوان مثال در کتاب شریف وسائل الشیعه قریب به سی و پنج هزار روایت - از طریق فرزندان حضرت صدیقه کبری علیها السلام بوده است.



فاطمه زهرا علیها السلام خیر کثیر است، امام صادق علیه السلام می فرمایند: «لو بقیت الارض بغیر امام لساخت»^۱ اگر زمین بدون حجت خدا باشد زمین اهلش را فرو می برد و در زیارت جامعه هم در خطاب به ائمه معصومین عرضه می داریم: «بکم یمسک السماء ان تقع علی الارض» بواسطه شما آسمان ها نگه داری می شود و بر زمین نمی افتد اگر هم و غم و مشکلی از انسان رفع می شود بواسطه فرزندان فاطمه علیها السلام است.

فاطمه کوثر است زیرا از فاطمه مصحفی باقیمانده است که ارث ولایت است و ائمه برای مسایل گوناگون به آن مراجعه می کنند و علم گذشته و حال و آینده در آن وجود دارد.^۲

نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: اگر همه نیکی ها و خوبی ها و ارزش های عالم به صورت یک شخص در آید، آن شخص فاطمه علیها السلام است، بلکه برتر و بزرگتر است. «ولو کان الحسن شخصاً لکان فاطمه بل هی اعظم»^۳

۱ اصول کافی.

۲ بحار الانوار ج ۴۳ / ص ۸۸

۳ فرائد المسطین ج ۲ / ص ۶۸





روایت شده: «لَوْلَا كَلِمَاتُ الْإِسْلَامِ لَوْلَا عَلِيٌّ لَمَا خُلِقْتَكَ وَ لَوْلَا فَاطِمَةُ لَمَا خُلِقْتَ كَمَا»^۱ بر اساس این روایت، خلقت پیامبر ﷺ و ائمه با آن همه کرات و سیارت و کهکشانها و مواهب خدایی، از برکت وجودی فاطمه علیها السلام است.

از فاطمه زهرا علیها السلام آثار زیادی از جهت نظری و شیوه‌های عملی برای بشریت باقی مانده است، از قبیل انفاق و ایثار: «يُطْمَعُونَ الطَّعَامَ عَلَى حَبِّهِ مَسْكِينًا وَ يَتِيمًا وَ اسِيرًا»^۲ عبادت و بندگی، اخلاص، زهد و ساده زیستی، صبر و بردباری عصمت و عفت، حجاب، همسرداری، تربیت فرزندان، شیوه دفاع از امامت و ولایت و سخنان فاطمه علیها السلام باقی است.

فاطمه کوثر است زیرا خیرات و برکات او در فردای قیامت هم نصیب محب فاطمه علیها السلام می‌شود. محبت به فاطمه علیها السلام در فردای قیامت مایه نجات انسان است. پیامبر خدا ﷺ فرمود: ای سلمان هر کس دخترم فاطمه علیها السلام را دوست داشته باشد در بهشت و هر کس با او دشمنی کند در جهنم است. ای سلمان محبت فاطمه علیها السلام در صد مکان نفع می‌رساند از جمله هنگام مرگ، قبر، میزان، محشر، صراط و موقع حسابرسی.^۳



۱ سفینه البحار ج ۲.

۲ دهر، ۱۰.

۳ فرائد المسطین ج ۲ / ص ۶۷



فصل چہارم

کنیہ حضرت زہرا علیہا السلام





چیستی کنیه

در فرهنگ عربی کنیه به نامی گفته می‌شد غیر از نام اصلی شخص که در اکثر مواقع برای احترام گذاشتن به شخصی و یا دلایل دیگر او را به آن نام خطاب می‌کردند. در ابتدا کنیه لفظ اب یا ام و بعد از آن معمولاً اسم بزرگترین فرزند می‌آید.

دلایل استفاده از کنیه

به دلایل زیر افراد را در رسم اعراب با کنیه شان خطاب می‌کردند :

۱. تعظیم و تکریم: در اکثر مواقع برای نشان دادن احترام بود.
۲. بخت و اقبال خوب: در هنگام تولد فرد کنیه ای نیکو برای او انتخاب می‌کردند تا در آینده آن شخص دارای زندگی خوبی باشد.
۳. تمسخر: گاهی کنیه برای تحقیر شخص به کار می‌رفت به عنوان مثال پیامبر ﷺ عمرو بن هشام را ابو جهل می‌نامیدند.
۴. حفظ جان: در بازه‌هایی از تاریخ که جان امامان در خطر بود و حتی آوردن نام آن‌ها جرم محسوب می‌شد ایشان را با کنیه هایشان خطاب می‌کردند به عنوان مثال امیرالمؤمنین (علیه السلام) را با کنیه ابازینب خطاب می‌کردند.

و در واقع این کنیه با لقب متفاوت است. چون لقب نشان‌گر خصوصیت و یا صفتی در فرد است که می‌تواند مثبت یا منفی باشد ولی کنیه برای احترام و تکریم به کار می‌رود. لقب در خود دارای مدح یا ذم شخص است ولی با خطاب نکردن شخص به اسم صریح در کنیه باعث

احترام می شود نه خود لفظ کنیه.

کنیه های حضرت زهرا (ع)

برای فاطمه (ع) کنیه هائی است و کنیه ها در دنیای گذشته تقریباً نقش نام خانوادگی امروز را برای افراد ایفا می کرده اند این کنیه ها متعدّدند و هر کدام به مناسبتی و در بیان شأنی از فاطمه (ع) بکار می رفته اند.

۱. برخی از آنها در رابطه با انتساب او به فرزندان اوست مثل: ام الحسن، ام الحسین، ام المحسن، ام الائمّه، ام السبطین، ام الازهار.

۲. برخی دیگر دارای رنگ جامعه و اجتماعند مثل: ام المؤمنین، ام الایتام، ام النساء، ام الامه.

۳. بعضی در رابطه بافضائل اوست مثل: ام العلوم، ام الخیره، ام الفضائل.

۴. بعضی هم در انتساب او به پدرش مثل: ام ابیها (مادر پدرش).^۱

۱. ام ابیها

در کتاب مقاتل الطالبین و کشف الغمه آمده است که ام ابیها از کنیه های حضرت فاطمه زهرا (ع) است که پیامبر اکرم (ص) به آن حضرت می فرمود ام ابیها؛ یعنی، مادر پدرش (مادر من).

ام ابیها بود آن خوش خصال چونکه بود بانوی کاخ جلال^۱
اما درباره چرایی نامیده شدن حضرت به ای نکنیه می شود احتمالاتی

۱ مناقب ابن شهر آشوب، ج ۳، ص ۳۵۷ و نخبه البیان فی تفصیل سیده النساء، ص ۸۶.

۱ حیدر تهرانی



را بیان کرد.

۱. چون عرب‌ها در نامگذاری سه چیز دارند: اسم، لقب و کنیه. اسم مانند فاطمه، لقب مثل زهرا، کنیه مانند "ام ابیها" حضرت فاطمه علیها السلام افزون بر نام، از چندین لقب و کنیه بهره‌مند است. انتخاب کنیه‌ها ممکن است به جهت خاصی مانند اظهار محبت باشد، همان‌گونه که متداول است پدر در اظهار محبت نسبت به دخترش می‌گوید: مادرم، و نسبت به پسرش می‌گوید: بابایم، یعنی پیامبر جهت اظهار محبت به دخترش فرمود: تو مادر بابات هستی.

۲. شاید بدین جهت باشد که در دوره غربت اسلام، حضرت با پدرش رفتاری داشتند همانند رفتار مادر به فرزند^۱ و پیامبر صلی الله علیه و آله نیز بسیار به دخترش علاقه‌مند بود، همانند رفتار فرزند نسبت به مادر. پیامبر صلی الله علیه و آله دست فاطمه علیها السلام را می‌بوسید. هر گاه به سفر می‌رفت آخرین کسی که با او خدا حافظی می‌کرد، حضرت فاطمه علیها السلام بود و در بازگشت از سفر نخست از او دیدار می‌کرد. حضرت زهرا علیها السلام مانند مادری دلسوز رسول خدا صلی الله علیه و آله را در آغوش می‌گرفت، از او نگهداری می‌کرد، زخم‌هایش را مرهم می‌گذاشت رنج‌ها و دردهایش را کاهش می‌داد. این‌گونه ابراز عواطف دو سویه همانند ابراز عواطف مادر و فرزند است.

۳. مادر هر چیزی اصل و اساس او است. ممکن است مقصود آن باشد که حضرت فاطمه اصل و اساس درخت رسالت است، چنان‌که در روایت آمده است: "شجره طیبه پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) ساقه‌اش علی

۱ سید جعفر شهیدی، زندگانی حضرت فاطمه (س) ص ۴۰.



و ریشه‌اش فاطمه، میوه‌اش فرزندان او و شاخ و برگش شیعیان حضرت می‌باشند". اگر ریشه درخت نباشد، درخت خشک می‌گردد و طراوت خود را از دست می‌دهد. حضرت زهرا علیها السلام اگر نبود، درخت اسلام سرسبزی و نشاط خود را از دست می‌داد. در واقع «ام» در لغت به معنای مقصود و هدف نیز آمده است و چون فاطمه ثمره درخت نبوت و حاصل عمر حضرت ختمی مرتبت بود او را ام اییها گفتند. او بود که مقصود حقیقی و هدف و ثمره واقعی زندگانی پیغمبر بود.

۴. ممکن است بدان جهت باشد که چون خداوند زنان پیامبر صلی الله علیه و آله را به کنیه "ام المؤمنین" گرامی داشت، به ذهن خطور کند که آنان مهم ترین زنان روی زمین هستند، حتی از حضرت فاطمه علیها السلام بالاترند، از این جهت حضرت رسول او را به "ام اییها" خطاب کرد تا از این وسوسه‌ها و خطورات ذهنی جلوگیری کند؛ یعنی ای زنان پیامبر (صلی الله علیه و آله) اگر شما به منزله مادران مؤمنان هستید، حضرت فاطمه به منزله مادر پیامبر است.^۱

۲. ام الائمه

به موجب روایات نقل شده از سوی اهل تسنن و شیعه، نسل پاک پیامبر به وسیله دخترش به وجود آمده و گسترش یافته است. رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است:

پروردگار عزیز و بلند مرتبه نسل هر پیامبر را در صلب خود آن پیامبر

۱ احمد رحمانی همدانی، فاطمه زهرا شادمانی دل پیامبر (ص) ص ۲۶۷



قرار داد، حال آنکه نسل مرا در صلب علی جای قرار داد.^۱

آن حضرت چندین بار به دختر عزیزش فرمود: ای فاطمه، تو را بشارت می‌دهم که از نسل تو یازده فرزند معصوم، امام مردم خواهد شد و آخرین آنها مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

۳. ام المؤمنین

از آنجا که همسران پیامبر صلی الله علیه و آله، با کنیه «ام المؤمنین» گرامی داشته شدند، برای اینکه گمان نشود که آنها برترین زنان هستند، پیامبر صلی الله علیه و آله، فاطمه علیها السلام را ام ابیها خواند تا بفهماند که اگر همسران پیامبر، مادر مؤمنان هستند، فاطمه، مادر پیامبر است.^۲

ه و ۴. ام الحسن و ام الحسین

مادر امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام کنیه‌های دیگر حضرت می‌باشند. امام مجتبی علیه السلام نخستین فرزند حضرت زهرا علیها السلام است که در پانزدهم رمضان سال سوم هجرت (در حالی که مادرش دوازده ساله بود) در مدینه به دنیا آمد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در نقل روایتی هست که به دخترشان فرمودند:

ای فاطمه، تو را بشارت می‌دهم که از نسل تو یازده فرزند معصوم، امام مردم خواهد شد و آخرین آنها مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

۱ تاریخ بغداد، خطیب بغدادی، ج ۱، ص ۳۱۶ □ مناقب خوارزمی، ص ۲۲۹.
۲ رحمانی همدانی، فاطمه الزهرا (س) بضعة قلب مصطفی (ص)، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۲۰۴.





پس از شش ماه و اندی از این تاریخ، وجود مقدس حسین علیه السلام در
سوم شعبان سال چهارم هجری به دنیا آمد.

والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته

